



وحدت
از دیدگاه قرآن و سنت

بسم الله الرحمن الرحیم

وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

نویسنده:

محمد بیستونی

ناشر چاپی:

بیان جوان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

مشخصات کتاب

سرشناسه : بیستونی، محمد، ۱۳۳۷ ،گردآورنده.

عنوان و نام پدیدآور : "وحدت" از دیدگاه قرآن و سنت/به اهتمام محمد بیستونی.

مشخصات نشر : قم: بیان جوان، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری : ۱۳۲ ص. ۱۱×۱۷ س م.

شابک : ۹۷۸۹۶۴۵۶۴۰۳۶۹

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : وحدت اسلامی جنبه های قرآنی.

موضوع : وحدت اسلامی احادیث.

رده بندی کنگره : BP۱۰۴/و۳ ب۹ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۵۹

شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۷۰۹۵۰

ص:۱

اشاره

اَلْاِهْداءِ

اِلی سَیِّدِنا وَ نَبِیِّنا مُحَمَّدٍ

رَسُولِ اللّهِ وَ خاتَمِ النَّبِیّینَ وَ اِلی مَوْلانا

وَ مَوْلَی الْمُوَحِّدینَ عَلِیٍّ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَ اِلی بِضْعَهِ

الْمُصْطَفی وَ بَهْجَهِ قَلْبِهِ سَیِّدَهِ نِساءِ الْعالَمینَ وَ اِلی سَیِّدَیْ

شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّهِ، السِبْطَیْنِ، الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ وَ اِلَی الْاَئِمَّهِ التِّسْعَهِ

الْمَعْصُومینَ الْمُکَرَّمینَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَیْنِ لاسِیَّما بَقِیَّهَ اللّهِ فِی الْاَرَضینَ وَ وارِثِ عُلُومِ

الْاَنْبیاءِ وَ الْمُرْسَلینَ، الْمُعَدِّ لِقَطْعِ دابِرِالظَّلَمِهِ وَ الْمُدَّخِرِ لِاِحْیاءِ الْفَرائِضِ وَ مَعالِمِ الدّینِ ،

الْحُجَّهِ بْنِ الْحَسَنِ صاحِبِ الْعَصْرِ وَ الزَّمانِ عَجَّلَ اللّهُ تَعالی فَرَجَهُ الشَّریفَ فَیا مُعِزَّ

الْاَوْلِیاءَوَیامُذِلَ الْاَعْداءِاَیُّهَاالسَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَیْنَ الْاَرْضِ وَالسَّماءِقَدْمَسَّنا

(۶)

وَ اَهْلَنَا الضُّرَّ فی غَیْبَتِکَ وَ فِراقِکَ وَ جِئْنا بِبِضاعَهٍ

مُزْجاهٍ مِنْ وِلائِکَ وَ مَحَبَّتِکَ فَاَوْفِ لَنَا الْکَیْلَ مِنْ مَنِّکَ وَ

فَضْلِکَ وَ تَصَدَّقْ عَلَیْنا بِنَظْرَهِ رَحْمَهٍ مِنْکَ

اِنّا نَریکَ مِنَ الْمُحْسِنینَ

متن تأییدیه حضرت آیت اللّه خزعلی مفسّر و حافظ کل قرآن کریم

بِسْمِ اللّه ِ الرَّحْمنِ الرَّحیم

هر زمانی را زبانی است یعنی در بستر زمان خواسته هایی نو نو پدید می آید که مردم آن دوران خواهان آنند. با وسائل صنعتی و رسانه های بی سابقه خواسته ها مضاعف می شود و امروز با اختلاف تمدن ها و اثرگذاری هریک در دیگری آرمان های گوناگون و

(۷)

خواسته های متنوع ظهور می یابد بر متفکران دوران و افراد دلسوز خودساخته در برابر این هنجارها فرض است تا کمر خدمت را محکم ببندند و این خلأ را پر کنند همان گونه که علامه امینی با الغدیرش و علامه طباطبایی با المیزانش. در این میان نسل جوان را باید دست گرفت و بر سر سفره این پژوهشگران نشاند و رشد داد. جناب آقای دکتر محمد بیستونی رئیس هیئت مدیره مؤسسه قرآنی تفسیر جوان به فضل الهی این کار را به عهده گرفته و آثار ارزشمند مفسران را با زبانی ساده و بیانی شیرین،

ص:۵

پیراسته از تعقیدات در اختیار نسل جوان قرار داده علاوه بر این آنان را به نوشتن کتابی در موضوعی که منابع را در اختیارشان قرار داده دعوت می کند. از مؤسسه مذکور دیدار کوتاهی داشتیم، از کار و پشتکار و هدفمند بودن آثارشان اعجاب و تحسینم شعله ور شد، از خداوند منان افاضه بیشتر و توفیق افزونی برایشان خواستارم. به امید

(۸)

آنکه در مراحل غیرتفسیری هم از معارف اسلامی درهای وسیعی برویشان گشاده شود.

آمین رب العالمین .

۲۱ ربیع الثانی ۱۴۲۵

۲۱ خرداد ۱۳۸۳

ابوالقاسم خزعلی

ص:۶

مقدمه

دیرزمانی است که در جوامع اسلامی، وحدت مسلمین و اتحاد میان کشورهای اسلامی بر سر زبان هاست و احزاب و اشخاص سیاسی در بسیاری از بلاد اسلامی با همین شعارها قدرت را به دست گرفته و حکومت می رانند. صدها کتاب و مقاله در این باب نوشته می شود و خطبا و گویندگان و نویسندگان بر اهمیت و ضرورت آن تأکید می ورزند، اما در عمل گامی مثبت و تعیین کننده برداشته نمی شود. ریشه این ناکامی ها را باید در مبانی ای جستجو کرد که بدون توجه به آنها همه تلاش ها همچنان بی نتیجه خواهد ماند.

مشکل اصلی در خود انسان و باورهای اوست. وقتی که روح تفکر توحیدی و اصول اخلاقی و ارزشی که لازمه گرایش عمومی به وحدت است بر جوامع بشری حاکم نباشد تلاش ها ثمری نخواهد بخشید. وحدت و لزوم حفظ آن صرفا یک توصیه اجتماعی و نیاز مقطعی و تاکتیک سیاسی و اقدامی عملی برای حفظ منافع مادی مشترک نیست که بتوان بر این اساس اتحادی نیرومند و پایدار بنا نهاد.

(۱۰) وحدت از دیدگاه قرآن و سنّت

مگر می توان تفکر توحیدی داشت، خدای یگانه را پرستید، اراده الهی را در همه اشیاء و عالم هستی ساری و جاری دانست، اما در میدان عمل و ارتباط با خلق خدا نسبت به سرنوشت دیگران بی تفاوت ماند؟

مگر می توان موّحد بود و در «سپاه اصحاب تفرقه» قرار گرفت؟! چگونه است که در صدر اسلام وقتی آوای توحید به گوش جان آنان که از ظلمت حاکمیت شرک و بت پرستی به ستوه آمده بودند، می رسد،

عصبیت های جاهلی، فخرفروشـی ها و قوم گرایی ها و افتخار به عشـیره و نام و نسب، فرومی ریزند و همه آنچه که زمینه های اختلاف و تفرقه بودند حتی روابط سببی و نسبی نیز در مقابل اعتقاد به خدای واحد و نور عبودیت رنگ می بازند و جامعه ای پدید می آورند که «خیر امت» لقب می گیرد.

امروز کتـاب خـدا بی آن که حتی حرفی بر آن افزوده و یـا کاسـته شود در میـان فرق اسـلامی است، آئین و سـنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله منشور هدایت و راهنمای عمل ماست. قبله واحد، شـعار واحد، نماز و مناسک واحد و صدها شـعائر بزرگ اسلامی مورد اعتقاد همه مذاهب اسلامی است که می توانند محورهایی استوار و جاودانه

مقدمه (۱۱)

برای تشـکیل امتی نمونه و واحد باشند. مردم، مشکل و گناهی ندارند. این علما و روشنفکران و زمامداران بلاد اسلامی هستند که می بایست رسالت خویش را در این شرایط خطیر ایفا کنند .

کتاب حاضر تلاشی است در جهت شناخت «مبانی و روش های ایجاد و تحکیم وحدت در جهان اسلام» و از آنجا که مخاطب اصلی این مؤسسه در همه آثار تألیفی جوانان فهمیده و روشنفکر می باشند، مطالب به صورت خلاصه و کم حجم تدوین شده است .

تهران تابستان ۱۳۸۶

دکتر محمد بیستونی

رئیس مؤسسه قرآنی تفسیر جوان

ص:۸

وحدت از دیدگاه قرآن و سنّت

آیات بسیاری در قرآن مجید مسأله وحدت را بررسی و ریشه یابی کرده است

ماابتداءاین آیات رادسته بندی می کنیم، سپس توضیحاتی پیرامون آن ها خواهیم داد.

دسته اول آیات منع از تقطع و تحزّب

«یا اَیُّهَا الرُّسُلُ کُلُوا مِنَ الطَّیِّباتِ وَ اعْمَلُوا صالِحا اِنّیبِما تَعْمَلُونَ عَلیمٌ. وَ اِنَّ هذِهِ اُمَّتُکُمْ اُمَّةً واحِدَةً وَ اَنَا رَبُّکُمْ فَاتَّقُونِ . فَتَقَطَّعُوا اَمْرَهُمْ بَیْنَهُمْ زُبُرا کُلُّ حِزْبٍ بِمالَدَیْهِمْ فَرِحُونَ» (۵۱ تا ۵۳ / مؤمنون)

خداونـد ابتدا رسولان را مخاطب قرار می دهد که از طیبات بخورند و عمل صالح انجام دهند. بعد می فرماید: «این امت شـما، یک امت واحداست و من پروردگار

(۱۳)

شما هستم،» ملاحظه می کنیم در این جا «وحدت بین مردم، با توحید پروردگار،

لازم و ملزومند».

بعد می گوید: «فَاتَّقُون» تقوا پیشه کنید و از خدا پروا داشته باشید. این تقوا که در قرآن اینقدر به آن امر شده، جلو هوا و هوس، جهالت ها، نادانی ها و خودبینی ها را می گیرد.

یعنی اگر شما بخواهید در زمینه وحدت امت و توحیدِ پروردگار موفق باشید، پیش شرطش تشبُّث و التزام به تقوا است. یعنی کنترل خود را از دست ندهید، و هر چه دلتان می خواهد، هر چه هوا و هوستان هست، هر چه دنیاتان اقتضاء می کند، انجام ندهید،بلکه خودتان را حفظ و کنترل کنید، خودنگهدار باشید.

بعد از این تذکر بلافاصله می گوید: «فَتَقَطَّعُوا اَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرا...» این امت ها (یا

امت اسلام) امرشان را در بینشان تکه پاره کردند. «تَقَطُّع» یعنی با شدّت و پی درپی و زیاد چیزی را قطعه، قطعه کردن، یعنی به صورت آشکار و روشن،

اختلاف بینشان واقع شد و تکه پاره شدند، بعد می گوید: «کُلَّ حِزْبٍ بِمالَدَیْهِمْ فَرِحُونَ» هر گروهی به آنچه خودش دارد دل خوش کرده است و تصور می کند تشخیص وی برترین تشخیص و رویه دیگران مردود است و همین طرز تفکر یعنی خودبرتربینی و نفی دیدگاههای تخصصی و کارشناسی سایرین، اولین شکاف را در دیوار عظیم وحدت ملی و اراده جمعی ایجاد می کند.

دسته دوم آیات منع از اختلاف پس از وحدت

ابتدا می فرماید: «یااَیُّهَاالَّذینَ امَنُوا اتَّقُوااللّهَ حَقَّ تُقاتِهِ وَ لا تَمُوتُنَّ اِلاّ وَ اَنْتُمْ مُسْلِمُونَ»(۱۰۲/آل عمران)

آیات منع از اختلاف پس از وحدت (۱۵)

(ای مسلمانها تقوا پیشه کنید، آن طور تقوایی که شایسته خداوند است) بسیار تکلیف شاقی است، قرآن قبل از امر به وحدت در آیه بعد، تقوی را مطرح می کند، آن هم در حدی که شایسته خداست. یعنی «تا شما دل هایتان، پاک پاک

نشود، و این نفس سرکش را درست کنترل نکنید، به وحدت نمی رسید»، مثلاً فلان عالم یارئیس می خواهد برتری خود را بر دیگران به کرسی بنشاند، بر حرف باطل خود اصرار می ورزد. همین امر، منشأ اختلاف می شود. باید تقوی داشته باشید آن گاه می گوید: (و سعی کنید، نمیریدمگراین که مسلم باشید) یعنی تادم مرگ تسلیم خداباشید.انسانی که تسلیم هواو هوسش می باشد، تقوا ندارد، تسلیم خدا هم نیست. بلکه تسلیم نفس خودش، تسلیم مال، جاه و مقامش است، و به وحدت نمی رسد، کمااین که به توحید هم نمی رسد. پس دراین آیه، و

(۱۶) وحدت از دیدگاه قرآن و سنّت

آیه قبل «تقوی شرط رسیدن به وحدت» است.

در آیه بعد می فرماید: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمیعا وَلاتَفَرَّقُوا وَاذْکُرُوا نِعْمَتَ اللّهِ عَلَیْکُمْ اِذْ کُنْتُمْ اَعْداءً فَاَلَّفَ بَیْنَ قُلوبِکُمْ فَاَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ اِخْوانا وَ کُنْتُمْ عَلی شَفا حُفْرَةٍ مِنَ النّارِ فَاَنْقَذَکُمْ مِنْها کَذلِکَ یُبَیِّنُ اللّهُ لَکُمْ ایاتِهِ لَعَلَّکُمْ تَهْتَدُونَ» (۱۰۳ / آل عمران).

(به ریسمان خدا متمسک شوید و متفرق نشوید) تَفَرُّق، یعنی فرقه فرقه شدن، تقطّع یعنی قطعه، قطعه شدن، تحزُّب یعنی حزب، حزب شدن، بعدمی گوید: «نعمت خدا را بر خودتان بیاد بیاورید که شما دشمن هم بودید، خدا بین دل های شما الفت داد، و در نتیجه این الفت برادر هم شدید (اخوت و الفت بین مسلمانان بزرگ ترین نعمت است) بعد می فرماید: «شما در کنار گودال آتش بودید، (به علت آن اختلافی که در جاهلیت داشتید تا مرز سقوط در آتش رفته بودید) خدا شما را

آیات منع از اختلاف پس از وحدت (۱۷)

نجات داد» (انقاذ غریق، یعنی نجات دادن کسی که دارد غرق می شود، خداوند مسلمان ها را با وحدت از دریای آتش نجات داد یعنی «تفرقه دریای آتش است» بعد می فرماید: (این چنین خداوند آیات خود را برای شما بیان می کند شاید هدایت بشوید).

در آیه بعد می گوید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ اُمَّةٌ يَدْعُونَ اِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ

يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اُولآئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (۱۰۴ / آل عمران) اگر شما بخواهید به این مفاهیم عالی برسید، در وحدت امت، و در اعتصام به «حَبْلِ اللّه و تقوا موفق باشید، شرطش این است که جماعتی از شما، به معروف امر و از منکر نهی کرده مردم را به خیر دعوت کنند، قرآن، بلافاصله مسأله دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر را مطرح می کند. یعنی «اگر جماعتی مصلح و خیرخواه و آمر به معروف و

(۱۸) وحدت از دیدگاه قرآن و سنّت

ناهی از منکر، در بین مسلمانان نباشند، خود بخود مردم بطرف تفرقه و تحزب می روند» و حتما از تقوا دست برمی دارند.

شرط رفتن به طرف تقوی و وحدت، این است که عده ای همیشه مراقب باشند که مسلمان ها در کجا و در کدام منطقه دارند به طرف شر می روند، و از خیر دست برمی دارند. کجا دارند به راه تفرقه می روند و از راه وحدت دست برمی دارند، به آنها هشدار بدهند، باید چنین جماعتی در بین مسلمان ها باشد، که

اگر بود «أُولآئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» مسلمان ها رستگار می شوند. یعنی در راه پرپیچ و خم اسلام و وحدت اسلامی باید این افراد، ما را راهنمایی کنند تا رستگار شویم.

در آیات بعد دوباره برمی گردد به مسأله تفرقه و می فرماید:

آیات منع از اختلاف پس از وحدت (۱۹)

وَ لاتَکُونُوا کَالَّذینَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ ما جآءَهُمُ البَیِّناتُ وَ اُولآئِکَ لَهُمْ عَذابٌ عَظیمٌ (۱۰۵/آل عمران)

و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند، (آن هم) پس از آن که نشانه های روشن (پروردگار) به آنان رسید و آن ها عذاب عظیمی دارند. سپس می گوید: «یَوْمَ تَبْیَضُّ وُجُوهٌ وَ تَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَاَمَّا الَّذینَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ اَکَفَرْتُمْ بَعْدَ اِیْمانِکُمْ فَذُوقُوا الْعَذابَ بِما کُنْتُمْ تَکْفُرُونَ» (۱۰۶ / آل عمران) روزی خواهد آمد که گروهی روسفید و گروهی روسیاهند، آن هایی که صورتهایشان سیاه است،

ص:۱۵

خداونـد به آن ها چه می گوید؟ می گوید شـما بعد از ایمان کافر شدید؟ بعد از وحدت، اختلاف پیدا کردید؟ بعد از این که در خط خیر بودید، به طرف شرّ رفتید؟ بلی «تفرقه بعد از وحدت در حقیقت، کفر بعد از ایمان است». آن گاه ادامه می دهد:

(۲۰) وحدت از دیدگاه قرآن و سنّت

«وَ اَمَّاالَّذینَ ابْیَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفی رَحْمَهِ اللّهِ هُمْ فیها خالِدُونَ» (۱۰۷ / آل عمران) اما آن هایی که روسـفید هستند، در رحمت خدا مخلّد و جاودانند.

از سـیاق این آیه به دست می آید که «طرفداران وحدت، در دنیا روسفید و در آخرت رستگارند. و طرفداران تفرقه به عکس، در دنیا و آخرت مشمول عذاب هستند و روسیاهند».

وحـدت و اخوت اسـلامی، نعمت خدا در این جهان، و باعث راحتی و آسایش در آخرت است، و بالعکس تفرقه در دنیا، مایه عذاب اخروی است. بلی، روسفیدی در دنیا مایه روسفیدی آخرت و سیه رویی دنیا مایه سیه رویی آخرت است.

ص:۱۶

قرآن با این دو تعبیر (روسیاهی و روسفیدی) وضع مردم خوشبخت و بدبخت را مجسّم می کند حالا عجیب این است که قرآن پس از این مطلب، یعنی

آیات منع از اختلاف پس از وحدت (۲۱)

بحث از وحدت و تفرقه دوباره مسأله امربه معروف و نهی ازمنکر را مطرح می کند.

اول بحث از وحدت و اختلاف بود، آن گاه مسأله امر به معروف و نهی از منکر را مطرح کرد، بعد به بحث تفرقه و اختلاف بر گشت، و باز برای باردوم به امر به معروف و نهی از منکر برمی گردد و می گوید:

«کُنْتُمْ خَیْرَاُمَّهٍ اُخْرِجَتْ لِلنّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْکَرِ» (۱۱۰/آل عمران) (شما در وقتی بهترین امت هستید که امر به معروف و نهی از منکر کنید) معروف، همان وحدت و اخوت است، منکر در این جا، همان تفرّق، تحزّب، و اختلاف ، و از ایمان به طرف کفر رفتن است. بنابراین، «مسأله وحدت و اختلاف با مسأله امر به معروف و نهی از منکر کاملاً رابطه دارد».

درپایان این آیات اهل کتاب رابرای ما،مایه عبرت قرارمی دهدودرآیه بعدمی فرماید:

(۲۲) وحدت از دیدگاه قرآن و سنّت

«ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ اَيْنَ ما ثُقِفُوا...» (۱۱۲ / آل عمران) هر جا شناخته شوند، ذلیل هستند. یعنی ای مسلمان ها، اگر شما هم از وحدت دست بردارید و به طرف تفرقه و تحزب بروید، شما هم همین سرنوشت را خواهید داشت. چرا مسلمان ها دربرابر دیگران ذلیل اند؟ چرا دیگران جلو افتاده اند، و بر مسلمانان مسلط شدند؟ قبلاً دو ابر قدرت در جهان بود. حالا یک ابرقدرت، در آینده چند ابر قدرت؟ همه هم غیر مسلمان و مسلط بر مسلمانان چرا؟ برای این که مسلمان ها راه تفرقه را رفته اند.بنابراین «تفرقه و تحزّب ملازم با ذلت است».

دسته سوم آیات منع از تنازع و سست شدن :

«وَ اَطيعُوا اللّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لا تَنازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ ريحُكُمْ وَاصْبِرُوا اِنَّ اللّهَ مَعَ الصّبِرينَ» (۴۶ / انفال)

آیات منع از تنازع و سست شدن (۲۳)

خدا و رسول را اطاعت کنید. (این اطاعت از خدا و رسول، همان اعتصام به حبل اللّه و همان تقوایی است که قبلاً گفته شد که منشأ وحدت و خیر است)، با هم نزاع نکنید، نزاع و منازعه یعنی دعواکردن، با یکدیگر جنگ کردن، اختلاف باید به صورت تنازع درنیاید، به صورت دعوا کردن نباشد، خوب اگر نزاع کردیم و اختلافات به منازعه رسید چه می شود؟ «فَتَفْشَلُوا» «فَشَل» یعنی سست شدن، جامعه شما یک جامعه معیوب و سستی می شود که زود می توان آن جامعه را ذلیل کرد، بعد می گوید: «وَاصْبِرُوا اِنَّ اللّهَ مَعَ الصّبِرینَ» یعنی اگر شما بخواهید جلو این تنازع و فَشَل را بگیرید، باید صبر کنید، صبر یک رابطه قوم و خویشی باتقوا دارد، چون تقوا هم بدون صبر نمی شود، اگر انسان دلش چیزی را خواست و یک فکر شیطانی به آن دست داد، باید صبر کند و خود را کنترل نماید.

(۲۴) وحدت از دیدگاه قرآن و سنّت

صبر چند قسم است، یک قسم آن صبر در معصیت است که این جا چنین

است یعنی اگر منشأ اختلاف هوی و هوس و غرض و مرض است بایـد صبر کرد. یا اگر اختلاف نظری هست باید تحمل کرد، اگر دو مسـلمان با یکدیگر در یک مسأله اختلاف نظر دارند، (که این را اسـلام رد نکرده)، نه هوا و هوس، نه تحزب، نه تفرق و نه تقطع اگر اختلاف نظر دارنـد بایـد یکـدیگر را بپذیرنـد، تحمـل کننـد و «در برابر اظهـارنظر مخـالف تحمل و صبر داشـته باشند». پس راه این که منازعات به تقطع و تفرق نینجامد، تقوا و صبر است.

«وَ لَقَـدْ صَـدَقَكُمُ اللّهُ وَعْـدَهُ اِذْ تَحُسُّونَهُمْ بِاِذْنِهِ حَتّى اِذا فَشِـلْتُمْ وَ تَنازَعْتُمْ فِى الْأَمْرِ وَ عَصَـيْتُمْ مِنْ بَعْـدِ مااَريكُمْ ماتُحِبُّونَ مِنْكُمْ مَنْ يُريدُ الدُّنْيا وَ مِنْكُمْ مَنْ يُريدُ الْاخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَلَقَدْ عَفاعَنْكُمْ وَاللّهُ ذُوفَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنينَ...» (۱۵۲/آل عمران)

آیات منع از تنازع و سست شدن (۲۵)

ما شـما را تأیید می کنیم و کردیم، تا کی چنین بود؟ «حَتّى اِذا فَشِـلْتُمْ وَ تَنازَعْتُمْ فِى الْأَمْرِ...» تا هنگامی که سست شدید، جامعه واحد به هم بسته و نیرومند شما

ص:۲۰

سست شد، و پس از این که فتح و پیروزی را که دوست داشتید به شما ارائه داد، شما به گناه روی آوردید، با یکدیگر در کار خود به نزاع پرداختید. اینجا دیگر خدا وعده نداده که شما را حمایت کند. تا جایی که اُخوت و برادری را حفظ و خدا را یاری کردید، وعده کردیم شما را نصرت دهیم و دادیم، «اِنْ تَنْصُروُا اللّهَ یَنْصُرْکُمْ...» (۷ / محمد) .

مسلما نصرت خدا شرط دارد. اما وقتی سست ایمان شدید، و به جان هم افتادید و بهانه گیری میان شما شروع شد و گناه رواج پیدا کرد دیگر از نصرت ما خبری نیست.

(۲۶) وحدت از دیدگاه قرآن و سنّت

حالا باید دید چرا اختلاف و تنازع پیدا کردند؟ چرا بعد از اطاعت، به عصیان گرویدند؟ می فرماید: «مِنْکُمْ مَنْ یُریدُ الدُّنْیا وَ مِنْکُمْ مَنْ یُریدُ الْاخِرَهَ...» .

اختلاف شما سردنیاست، دعوا سر دنیا است، همه اختلافات

ریشه اش حُبّ دنیا است « رَأْسُ کُلِّ خَطیئَهٍ حُبُّ الدُّنیا»(۱) واقعا همین طور است، حتی اختلافات فکری، سیاسی، حزبی منشأش حبّ دنیاست زیرا امکان ندارد کسی یا گروهی برای رضای خدا از وسایلی شیطانی استفاده کند. در برابر این نوع از اختلاف، اختلاف دیگری هم هست، انسانی که در طلب حق است، مطالعه می کند، بحث می کند، سؤال می کند، ولی مادامی که به حق نرسیده، با

آیات منع از تنازع و سست شدن (۲۷)

کسان دیگری که آنها هم در جستجوی حق هستند، اختلاف دارد. اما این اختلاف ناشی از، هوا و هوس، دنیاطلبی، ریاست طلبی، حزب بازی و تفرقه طلبی نیست. اختلاف نظر است، چون واقع را ندیده اند با هم اختلاف دارند، این نوع اختلاف مذموم نیست زیرا باعث کشف حقایق و تنویر افکار عمومی خواهد شد .

ص:۲۲

۱- اَلْکافی: ۲/۳۱۵/۱ .

دسته چهارم منع از تفرقه پس از کشف حقیقت :

در چند آیه می خوانیم که بسیاری از افراد پس از این که علم پیدا کردند و حقیقت برای آنها کشف شد اختلاف پیدامی کنند. این اختلاف را قرآن منع می کند.حتی آنرا نشانه کفر می داند. از جمله در این آیات:

«وَ لا تَکُونُوا کَالَّذینَ تَفَرَّقُوا وَ اخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ ما جآءَهُمُ البَیِّناتُ...» (۱۰۵ / آل عمران). شما مانند آن امت ها و جمعیت هایی نباشید که پس از این که آیات

بیّنات و علم به سراغشان آمد، اختلاف کردند و به تفرّق گرائیدند.

«اَنْ اَقیمُوا الدّینَ وَ لا تَتَفَرَّقُوا فیهِ... وَ ما تَفَرَّقُوا اِلّا مِنْ بَعْدِ ما جاءَ هُمُ الْعِلْمُ بَغْیابَیْنَهُمْ» (۱۳ و ۱۴ / شوری) آنان متفرق نشدند مگر بعد از آن که علم به سراغشان آمد. یعنی از روی علم و عمد، اختلاف کرده و متفرق شدند چرا؟ «بَیْنَهُمْ» برای این که بعضی از آن ها می خواستند بر دیگری تجاوز کنند.

«بَغْی» به معنی تجاوز و ستم است، مثلاً می بیند اگر لحظه ای کوتاهی کند، ریاست را دیگری خواهد گرفت، لذا قیام می کند، دیگری هم همین طور، اینجاست که تفرقه پیدا می شود. موضوع این نیست که صرفا در یک مسأله علمی، اختلاف دارند، بلکه این است که این یکی می خواهد بر دیگری سیطره پیدا کند، و او هم می خواهد بر رقیب خود تسلط یابد، این امر هم غالبا بعد از علم است.

منع از تفرقه پس از کشف حقیقت (۲۹)

چنین نیست که در راه طلب علم قدم می زنند و می خواهند به حق برسند. نه به حق رسیده اند اما چون هر یک هدف پلیدی دارد، و می خواهد به آن برسد، راهش را جدا می کند و اختلاف پیدا می شود.

«وَمَااخْتَلَفَ فیهِ اِلَّاالَّذینَ اوُتُوهُ مِنْ بَعْدِماجاءَتْهُمُ الْبَیِّناتُ بَغْیابَیْنَهُمْ»(۲۱۳/بقره)

این فرقه ها اختلاف پیدا نکردند، مگر پس از آن که به آن ها کتاب داده شد و پس از این که بیّنات به سراغشان آمد، (بَغْیا بَیْنَهُم) باز برای

این که، بعضی می خواستند بر بعضی دیگر سیطره پیدا کنند.

این آیات، غالبا درباره بنی اسرائیل است، در چند جا از آنان اسم می برد. مانند:

«وَ مَا اخْتَلَفَ الَّذینَ اوُتُوا الْکِتابَ اِلاّ مِنْ بَعْدِ ما جاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْیا بَیْنَهُمْ» (۱۹ / آل عمران)

(۳۰) وحدت از دیدگاه قرآن و سنّت

اهل کتاب اختلاف نکردند، مگر پس از این که علم پیدا کردند، برای این که می خواستند بعضی بر بعضی دیگر تجاوز کنند، و برتری طلبی باعث شد که اختلاف کنند.

در آیه دیگر می گوید: «وَ لَقَدْ بَوَّأْنا بَنیآ اِسْرآئیلَ مُبَوَّأَ صِدْقٍ وَ رَزَقْناهُمْ مِنَ الطَّیِّباتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتّی جآءَهُمُ الْعِلْمُ اِنَّ رَبَّکَ یَقْضی بَیْنَهُمْ یَوْمَ الْقِیامَهِ فیما کانُوا فیهِ یَخْتَلِفُونَ» (۹۳ / یونس)

به بنی اسرائیل طیّبات دادیم، ریاست دادیم، (در آیه بعد می گوید: «فَضَّلْناهُمْ

عَلَی الْعالَمینَ» یعنی: آنان را بر همه جهانیان عصر خودشان برتری دادیم) اما این ها، بعد از این همه نعمت ها، و بعد از آمدن کتاب و بیّنات و علم، دسته دسته و متفرق شدند. چنین کسانی مسلما تقوا ندارند. و در برابر هوا و هوس

منع از تفرقه پس از کشف حقیقت (۳۱)

صبر هم ندارند.

آیه دیگر: «وَ لَقَدْ اتَیْنا بَنی اِسْرائیلَ الْکِتابَ وَ الْحُکْمَ وَ النُّبُوَّهَ وَ رَزَقْناهُمْ مِنَ الطَّیِّباتِ وَ فَضَّلْناهُمْ عَلَی الْعالَمینَ وَ اتَیْناهُمْ بَیِّناتٍ مِنَ الأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا اِلاّ مِنْ بَعْدِ ما جاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْیا بَیْنَهُمْ اِنَّ رَبَّکَ یَقْضی بَیْنَهُمْ یَوْمَ الْقِیامَهِ فیما کانُوا فیهِ یَخْتَلِفُونَ» (۱۶ و ۱۷ / جاثیه)

قرآن به دفعات داستان های بنی اسرائیل را برای مسلمانان نقل کرده، برای این که عبرت بگیرند بنی اسرائیل سیادت پیدا کردند، و بر فرعون غلبه کرده و حکومت تشکیل دادند. در زمان خودشان بر اقوام دیگر برتری داشتند، و به قول

بعضـی از مورخین پرچم توحیـد در زمان قـدرت بنی اسـرائیل، در دست آن ها بود. امت های دیگر موّحـد نبودنـد. بعد از این یک مرتبه بدبخت

(۳۲) وحدت از دیدگاه قرآن و سنّت

شدند، چرا؟ «فَمَا اخْتَلَفُوا اِلاّ مِنْ بَعْدِ ما جاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْیا بَیْنَهُمْ» اختلاف نکردند مگر زمانی که علم به سراغشان آمد ، زیرا قصد تجاوز به یکدیگر را داشتند.

شما، اگر تورات موجود را (که در حقیقت، تاریخ بنی اسـرائیل است و مسـلما بعـد از حضـرت موسـی نوشـته شـده، و نه یک کتاب آسـمانی) مطالعه کنیـد، رقابت های بین بنی اسـرائیل را مشاهده خواهید کرد. حتی رقابت های آنان، به حدی رسـید که در همین فلسـطین کوچـک، دو حکومت تشـکیل دادنـد: در شـمال حکومتی به نام اسـرائیل و در جنوب حکومت دیگر به نام یهود.

این ها را تاریخ نوشـته، و قرآن می خواهد به مسـلمان ها بگوید: شـما از آنان عبرت بگیرید، راز سـقوط آنها را بررسـی کنید، چشمتان را باز کنید و ببینید

بنی اسرائیل که به اوج قدرت رسیدند، چه شد که به فرموده قرآن تا قیامت

منع از تفرقه پس از کشف حقیقت (۳۳)

توسری می خورند و ذلیل هستند. و به گفته قرآن: «ضُرِبَتْ عَلَیْهِمُ الذِّلَّهُ» (۱۱۲/آل عمران)، مهر ذلّت بر پیشانی آن ها خورده است!؟! همین دو دستگی ها و اختلافات، باعث شده است که چنین بشوند، شما مسلمان ها مبادا به سرنوشت آن ها دچار بشوید، که متأسفانه دچار شده ایم.

دنباله آیه تهدید می کند و می فرماید: «اِنَّ رَبَّکَ یَقْضی بَیْنَهُمْ یَوْمَ الْقِیامَهِ فیما کانُوا فیهِ یَخْتَلِفُونَ» پروردگار تو روز قیامت در بین این ها حکم خواهد کرد، در آن چه اختلاف کرده اند، خواهد گفت: اختلافتان باطل بوده، اسفار تورات دست شما بوده، بیّنات داشتید، اما به بیراهه رفتید، همه شما باطل هستید، نه این که یکی از شما حق است و دیگری باطل. خیر همه شما بر باطلید، و این وعده عذابی است از طرف خدا، به کسانی که بعد از اقامه بیّنه و حصول علم

برای آنان، از روی هوا و هوس به سوی تحزّب، ریاست طلبی و دنیاطلبی رفتند.

درجای دیگرمی گوید: «ثُمَّ جَعَلْناکَ عَلیشَریعَهٍ مِنَ الْاَمْرِفَاتَّبِعْهاوَلاتَتَّبِعْ اَهْواءَ الَّذینَ لا یَعْلَمُونَ» (۱۸ / جاثیه).

ای پیامبر، ما یک راهی از دین را به تو نشان دادیم، پس تو به آن متشبّث باش و از هوا و هوس های مردم جاهل تبعیت نکن، خطاها و اختلاف و تفرّق، پیروی هواست، امیرالمؤمنین در خطبه شریفه ای می فرماید: «اِنَّ اَخْوَفَ عَلَیْکُمْ اِثْنَتانِ: اِتّباعُ الْهَوی وَ طُولُ اَلاَمل» (۱)، بزرگترین چیزی که من از آن برای شما نگرانم دو چیز است: یکی این که پیروی هوای نفس کنید یعنی از تقوایی که سررشته وحدت بود دست بردارید، دیگر این که آرزوهای دور و دراز داشته باشید که اگر هزار سال

۱- (نهج البلاغه، خطبه ۲۸).

منع از تفرقه پس از کشف حقیقت (۳۵)

هم عمر کنید به آن نمی رسید.

همین دو امر باعث می شود که انسان از حق دست بردارد و درنتیجه اختلاف پیدا می شود .

«وَ لَقَدْ ءَاتَیْنا مُوسَی الْکِتبَ فَاخْتُلِفَ فیهِ وَ لَوْلا کَلِمَهٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّکَ لَقُضِیَ بَیْنَهُمْ وَ اِنَّهُمْ لَفی شَکٍّ مِنْهُ مُریبٍ...» (۱۱۰ / هود) ما به موسی کتاب دادیم سپس در آن اختلاف کردند و اگر قضای حتمی خداوند نمی بود میان آنان (با عذاب) حکم می شد، و آنان در شکی شبهه ناک به سر می برند، یعنی پس از این که کتاب آمد، آنان در خودِ کتاب اختلاف کردند. «وَ اِنَّ الَّذینَ اخْتَلَفُوا فِی الْکِتابِ لَفی شِقاقٍ بَعیدٍ» (۱۷۶ / بقره)، آنهایی که در کتاب اختلاف می کنند، آنها در یک شکاف و شقاق و تفرقه، بسیار دور از حق هستند. ملاحظه می کنید در آیات سابق اختلاف در حق

(۳۶) وحدت از دیدگاه قرآن و سنّت

پس از علم به آن مطرح بود، اما در این دو آیه اختلاف در خود کتاب الهی عنوان

شده است که حتما منشأ اختلافات دیگر خواهد شد.

دسته پنجم آیات اختلاف احزاب:

درآیـاتی چنـداز قرآن، مسأله اختلاـف احزاب را مطرح می کنـد: «فَاخْتَلَفَ الْأَحْزابُ مِنْ بَیْنِهِمْ» (۳۷ / مریـم)، احزاب در بین خودشان اختلاف کردند، اصلاً اگر امت، حزب، حزب شد حتما اختلاف هست، اگر اختلاف ندارند چرا چند حزب شدند ؟

هر جا قرآن می خواهـد مـذمّت کند ،کلمه (احزاب) را می آورد، آنجائی که (حزب) است، همان حزب اللّه است، تعریف می کند، یعنی حزب اللّه در بین مسلمانان فقط یک حزب است، و اگر به احزاب تقسیم شدند دیگر فاجعه است. (۱)

۱- ندای وحدت، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول، ص ۶۴.

آیات اختلاف احزاب (۳۷)

وحدت اصولی و حقیقی

قرآن کریم درنفی انواع دروغین وحدتی که زیر عنوان «وحدت فیزیکی و مادی» می گنجد، به وحدت حقیقی، اشاره می کند ؛ وحدت های دروغین از این قرارند:

وحدت بر اساس منافع سیاسی ؛

وحدت بر اساس پایه قومی ؛

وحدت بر اساس تعصب های قبیله ای ؛

وحدت بر اساس مرز جغرافیایی ؛

وحدت بر پایه تاریخ مشترک ؛

(۳۸) وحدت از دیدگاه قرآن و سنّت

وحدت بر پایه تمدن مادی ؛

وحدت بر اساس منافع طبقاتی ؛

قرآن هیچ یک از این انواع و گونه های وحدت را، عامل قطعی پیروزی

ص:۳۲

نمی شـمارد؛ امـا درمقابـل برروی «وحـدت دل هـا»، یعنی وحـدتی انگشت می گـذارد که پیامبراکرم صـلی الله علیه و آله اگر هرآنچه در روی زمین است بپردازد،نمی تواند با عوامل مادی، آن را تحقق بخشد.

آیه ۱۰۳ سوره آل عمران به این نوع «وحـدت اصولی و حقیقی» اشـاره کرده و می فرمایـد: «وَاذْکُرُوا نِعْمَتَ اللّهِ عَلَیْکُمْ اِذْ کُنْتُمْ اَعْدآءً فَاَلَّفَ بَیْنَ قُلُوبِکُمْ فَاَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ اِخْوانا...» .

آیات اختلاف احزاب (۳۹)

نمادهای هشتگانه وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن کریم

نمادهای هشتگانه وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن کریم

با توجه به این که قرآن کریم، خود در پی وحـدت اسـلامی است، برنامه جامع، عملی و گسترده ای را برای تحقق آن، ترسـیم می کنـد که شامل اصول والا و برگرفته از ارزش های حیاتی آن است. ما در این جا، در پی بررسـی جزئیات این برنامه بزرگ نیستیم، بلکه تنها به نمادها و اصول آن به منظور تحقق هدف مورد

نظر خود از این مبحث، اشاره می کنیم:

۱ بیان «محور» وحدت

به تعبیر قرآن کریم: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمیعا وَ لا تَفَرَّقُوا» (۱۰۳ / آل عمران)، و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید. «ریسمان الهی» و ابزار تحقق خشنودی او، خود اسلام و قرآن و هر خط و مرزی است که خطا در آن راه نیابد.

(۴۰) وحدت از دیدگاه قرآن و سنّت

۲ یادآوری «دستاوردهای» وحدت

برای آن است که احساس ضرورت وجودی وحدت، همواره دردل ها، زنده بماند و امت را به فراتر رفتن از اختلافات گذرا و به یک سو نهادن آن ها، فراخواند:

«وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللّهِ عَلَیْكُمْ اِذْ كُنْتُمْ اَعْداآءً فَاَلَّفَ بَیْنَ قُلُوبِكُمْ فَاَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ اِخْوانا وَ كُنْتُمْ عَلی شَفا حُفْرَةٍ مِنَ النّارِ فَاَنْقَذَكُمْ مِنْها كَذلِكَ یُبَیِّنُ اللّهُ لَكُمْ ایاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (۱۰۳ / آل عمران)، و نعمت خدا را بر خود یاد كنید آن گاه كه دشمنان یكدیگر بودید ؛ پس میان دل های شما الفت برقرار كرد تا به لطف او برادران هم

ص:۳۴

شدیـد و بر کنار پرتگاه آتش بودیـد که شـما را از آن رهانید. این گونه، خداوند نشانه های خود را برای شـما روشن می کند باشد که راه یابید.

۳ تأکید بر وحدت «اصل و راه و هدف»

نمادهای هشتگانه وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن (۴۱)

تأکیـد بر این که اصل، یکی است: «خَلَقَکُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِـدَةٍ» (۱ / نساء) ؛ همان کسـی که همه شـما را از یک انسان آفرید. و انگشت بر این نکته که راه هم یکی است : «شَـرَعَ لَکُمْ مِنَ الـدّینِ ما وَصّـِی بِه نُوحا وَ الَّذی اَوْحَیْنا اِلَیْکَ وَ ما وَصَّیْنا بِهِ اِبْراهیمَ وَ مُوسی وَ عیسی اَنْ اَقیمُوا الدّینَ وَلا تَتَفَرَّقُوا فیهِ» (۱۳ / شوری)؛ از احکام دین، آنچه را که به نوح درباره آن سفارش کرد، برای شمـا تشـریع کرد و آنچه را به تو وحی کردیم و آنچه را که درباره آن به ابراهیم و موسـی و عیسـی سـفارش نمودیم که: دین برپاداریـد و در آن تفرقـه انـدازی مکنیـد. یعنی همـه حرف پیـامبران الهی در یـک جملـه خلاـصه می شـود کـه عبـارتست از: دین«مدار بودن و پرهیز از اختلاف» .

و بر یگانه بودن هدف نیز، تأکید می کند: «وَ ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْاِنْسَ اِلّا لِیَعْبُدُونِ» (۵۶ / ذاریات)، و جن و انس را نیافریدم جز برای آن که مرا بپرستند.

(۴۲) وحدت از دیدگاه قرآن و سنّت

و سرانجام، همگان را فرامی خواند تا به اتفاق، وارد حوزه «تسلیم کامل در برابر خداوند» متعال گردند: «یا اَیُّهَا الَّذینَ امَنُوا ادْخُلُوا فِی السِّلْمِ کافَّةً وَلاتَتَّبِعُواخُطُواتِ الشَّیْطانِ» (۲۰۸ / بقره)، ای کسانی که ایمان آورده اید، همگی به اطاعت خدا درآیید و گام های شیطان را دنبال می کنید.

۴ کاشت بذر اخلاق گرایی، «فداکاری و ایثار»

کاملاً- روشن است که از جمله شرایط وحدت و پیمودن راه مشترک، به فراموشی سپردن بسیاری از منافع فردی و کار در چارچوب منافع جمع و گروه واحد است ؛ در این میان، اسلام عزیز، تنها ایدئولوژی ای است که در ضمن یک برنامه پرشکوه، مشکل اجتماعی «تضاد میان خواست های فردی و منافع جمع» را

حل می کند و بدین ترتیب، اساس وحدت را پی می ریزد. از جمله محتویات این

نمادهای هشتگانه وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن (۴۳)

برنامه، کاشت بذر اخلاق گرایی و پرورش روحیه ایثار در جان ها «وَ یُؤْثِروُنَ عَلی اَنْفُسِهِمْ وَلَوْ کانَ بِهِمْ خَصاصَهٌ» (۹ / حشر) ؛ و هر چند در خودشان احتیاجی مبرم باشد دیگران را بر خودشان مقدم می دارند. وپروراندن روحیه کار و تلاش در راه خدا «اِنَّما نُطْعِمُکُمْ لِوَجْهِ اللّهِ لانُریدُمِنْکُمْ جَزاءً وَ لا شُکُورا» (۹/انسان) ؛ ما برای خشنودی خداست که شما را اطعام می کنیم و پاداش وسپاسی از شما نمی خواهیم.

۵ تفویض اهداف والا و «مسؤولیتهای بزرگ»

از جمله شیوه قرآن کریم، تفویض اهداف والای امت و واگذاری وظایف و مسؤولیت های بزرگ و تمدن ساز به آنهاست ؛ برای مثال می فرماید: «کُنْتُمْ خَیْرَ اُمَّهٍ اُخْرِجَتْ لِلنّاسِ»، شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده اید.

و در جای دیگری می گوید: «وَ کَذلِکَ جَعَلْناکُمْ اُمَّهً وَسَطا لِتَکُونُوا شُهَداءَ عَلَی

النّاسِ وَ یَکُونَ الرَّسُولُ عَلَیْکُمْ شَهیدا» همان گونه (که قبله شما ، یک قبله میانه است ،) شما را نیز امّت میانه ای قرار دادیم (در حدّ اعتدال که میان افراط و تفریط هستید) تا گواه بر مردم باشید. (۱۴۳ / بقره)

۶ بیان معیارهای «برتری»

ملاک های برتری ازنظرقرآن کریم، ازاین قرارند:

تقوی: «اِنَّ اَکْرَمَکُمْ عِنْدَ اللّهِ اَتْقیکُمْ» (۱۳ / حجرات)

دانش: «هَلْ یَسْتَوِی الَّذینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذینَ لایَعْلَمُونَ؟» (۹ / زمر)

جهاد و کوشش: «فَضَّلَ اللّهُ الْمُجاهِدینَ بِاَمْوالِهِمْ وَ اَنْفُسِهِمْ عَلَی الْقاعِدینَ دَرَجَةً» (۹۵ / نساء)

کاملاً روشن است چنان چه این معیارها،از سوی جامعه و امت، پیاده گردد،

دارای بیشترین هم پیوندی و همبستگی خواهد گشت.

۷ تأکید بر «نقاط مشترک»

«قُلْ یا اَهْلَ الْکِتابِ تَعالَوْا اِلی کَلِمَهٍ سَواءٍ بَیْنَنا وَ بَیْنَکُمْ اَلّا نَعْبُدَ اِلَّا اللّهَ وَ لا نُشْرِکَ بِهِ شَیْئا وَ لا یَتَّخِذَ بَعْضُنا بَعْضا اَرْبابا مِنْ دُونِ اللّهِ» (۶۴ / آل عمران) ؛ بگو «ای اهل کتاب، بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است متمرکز شویم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد.

چنین کاری، مسلمازمینه خوبی برای تفاهم و نیل به حقیقت فراهم می آورد. این شیوه، ناگزیر باید ما مسلمانان را به انگشت گذاردن بر نقاط مشترک میان خود، سوق دهد؛ نقاط مشترکی که بی تردید خیلی بیش از آنی است که تصورش می رود

(۴۶) وحدت از دیدگاه قرآن و سنّت

و شامل همه زمینه ها، می گردد.

شگفت این که برخی از ما، آماده همزیستی با یک کمونیست ملحد هستیم و با

آرامش و خونسردی با او بحث می کنیم ؛ اما احیانا آمادگی آن را نداریم که به روی مسلمانی که در برخی موارد جزیی با او اختلاف نظر داریم، نگاه کنیم! آیا این کار، مربوط به دشمنان خدا نیست ؟

۸ شیوه های مثبت گفت و گو

قرآن کریم، برای گفت و گو با دشمنان، شیوه عملی و بسیار جالبی را مطرح می سازد، درباره دوستان و پیروان که جای خود دارد. قرآن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می آموزد تا به رغم ایمان شدید پیامبر به باورهای خود، به کافران بگوید: «وَ اِنّا اَوْ اِیّاکُمْ لَعَلی هُدًی اَوْ فی ضَلالٍ مُبینٍ» (۲۴ / سبأ) ؛ و در حقیقت یا ما یا شما

بر هدایت یا گمراهی آشکاریم.

این شیوه های کاملاً منطقی و عملی در گفت و گوها و روشی برتر برای نیل به یک نتیجه صحیح از چنین راهی است. ناسزاگویی و طرد و ضرب و شتم و امثال

آن، نه تنها هیـچ نتیجه ای به دست نـداده تأثیر مثبتی به جای نمی گـذارد، اثر معکوس هم دارد. گفت و گوی آرام و علمی و منطقی میان دو طرفی که به رغم اختلاف در داده ها و زمینه ها، آماده پـذیرش حق و به دنبال حقیقتند و در این راه از برهان و اسـتدلال منطقی بهره می گیرنـد، ضـامن رسـیدن به باورهـای مشترک و تشـکیل پـایه و مبنایی برای وحـدت و عرصه ای برای همکاری های مشترک است.

شرایط و ادبیات گفت و گو برای وحدت از دید قرآن

وحدت از دیدگاه قرآن و سنّت

بـدون شـک بـا تأمـل در آیـات قرآن مجیـد، می توان شـالوده و ادبیـات گفت و گو را کشف کرد که به ذکر مهمترین آن ها بسنده می کنیم:

۱ مقدمات گفت و گو

مجموعه مسائلی وجود دارد که پیش از گفت و گو، بایـد حل شـده باشـند. این آیه قرآنی نیز تأکیـد دارد که دعوت کننده به خدا باید کاملاً آگاه و با بینش روشن

اقـدام به این کار کند: «قُلْ هذِهِ سَبیلی اَدْعُوا اِلَی اللّهِ "عَلی بَصـیرَهٍ" اَنَا وَ مَنِ اتَّبَعَنی وَ سُبْحنَ اللّهِ وَ ما اَنَا مِنَ الْمُشْـرِکینَ» (۱۰۸ / یوسف) بگو: این راه من است که من و پیروانم بابصـیرت کامل همه مردم را به سوی خـدا دعوت می کنیم ، منزه است خدا و من از مشرکان نیستم .

و نیز باید بر اصول مسلم اولیه، اتفاق نظر وجود داشته باشد؛

شرایط و ادبیات گفت وگو برای وحدت از دیدقرآن (۴۹)

چنانچه از پیش اصول توافق شـده و فرضـیات مسـلمی هرچند اولیه و بدیهی وجود نداشـته باشد، محال است که بتوان به نتیجه مشخصی رسید.

از این جاست که قرآن کریم، در برابر آن دسـته کسانی که منکر اصول مسـلم و بدیهی هستند، «بر خطا بودن ایشان» را یادآور می شود و آنان را در برابر پرسـش های فطری و وجـدانی، قرار می دهـد، وقتی مقلـدان، به یک اصل ایمان می آورنـد (دنباله روی کورکورانه از پدران) و اصول دیگر را انکار می کنند،

ص:۴۲

نمی توان با ایشان به گفت و گو نشست ؛ بنابراین از آن ها سؤال می شود که: «اگر می دانستید که پدرانتان، دیوانه بوده اند آیا باز هم از آنان پیروی می کردید؟» پاسخ این پرسش البته که منفی است و هم در این جاست که گفت و گو بر اساس یکی از اصول مسلم، یعنی «ملاک عقل» آغاز می گردد، خداوند متعال می فرماید:

(۵۰) وحدت از دیدگاه قرآن و سنّت

«وَ اِذا قیلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مااَنْزَلَ اللّهُ قالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مااَلْفَیْنا عَلَیْهِ اباءَنا "اَوَ لَوْ کانَ اباؤُهُمْ لایَعْقِلُونَ شَیْئاوَ لا یَهْتَدُونَ"» (۱۷۰ / بقره) ؛ چون به ایشان گفته شود که از آنچه خدا نازل کرده پیروی کنید گویند: نه، ما به همان راهی می رویم که پدرانمان می رفتند حتی اگر پدرانشان بی خرد و گمراه بوده اند. و نیز می فرماید: «وَ کَذلِکَ ما اَرْسَلْنا مِنْ قَبْلِکَ فی قَرْیَةٍ مِنْ نَذیرٍ اِلاّ قالَ مُتْرَفُوها «اِنّا وَجَدْنا اباءَنا عَلی اُمَّةٍ وَ اِنّا عَلی اثارِهِمْ مُقْتَدوُنَ». قالَ اَوَ لَوْ جِئْتُکُمْ بِاَهْدی مِمّا وَجَدْتُمْ عَلَیْهِ اباءَکُمْ قالُوا اِنّا بِما اُرْسِلْتُمْ بِهِ کافِروُنَ» (۲۳ و ۲۴ / زخرف) ؛ بدین سان، پیش از تو به هیچ

قریه ای بیم دهنده ای نفرستادیم مگر آن که متنعماتش گفتند: پدرانمان را بر آیینی یافتیم و به اعمال آن ها اقتدا می کنیم. گفت: حتی اگر برای شما چیزی بیاورم که از آن چه پدرانتان را بر آن یافته بودید هدایت کننده تر باشد؟ گفتند: ما به آیینی که

شرایط و ادبیات گفت و گو برای وحدت از دیدقرآن (۵۱)

شما بدان فرستاده شده اید بی ایمانیم. پاسخ طبیعی نیز آن است که «از آنچه هدایت گری بیشتری دارد و هدایت کننده تر است، باید پیروی شود.»

۲ دو طرف گفت و گو

شرایطی وجود دارد که دو طرف باید از آن ها برخوردار باشند از جمله آن که «از نظر سطح آگاهی و دانش» دو طرف در حد و اندازه موضوع گفت و گو باشند ؛ زیرا گفت و گو درباره موضوعی که هیچ یک یا یکی از دو طرف، سررشته ای در آن ندارد و در صورت نیاز به تخصص، متخصص آن نیست، معنایی ندارد. خداوند متعال می فرماید: «ها اَنْتُمْ هؤُلاءِ حاجَجْتُمْ فیما لَکُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحاجُّونَ فیما

لَیْسَ لَکُمْ بِهِ عِلْمٌ وَ اللّهُ یَعْلَمُ وَ اَنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ» (۶۶ / آل عمران)؛ شما کسانی هستیدکه درباره آن چه نسبت به آن آگاه بودید، گفتگو و ستیز کردید، چرا درباره آن چه

آگاه نیستید، گفتگو می کنید؟ و خدا می داند و شما نمی دانید .

دیگر این که دو طرف گفت و گو ضمن برخورداری از انصاف، کاملاً «بی طرف» باشند. قرآن کریم در خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که از چنان ایمان مستحکمی برخوردار بود که هیـچ کسـی تردیـدی در آن ندارد از وی می خواهد که با موضع بی طرفی وارد گفت و گو گردد:

«وَ اِنّا اَوْ اِیّاکُمْ لَعَلی هُدًی اَوْ فی ضَلالٍ مُبینٍ» (۲۴ / سبأ) ؛ اینک ما و شما یا در طریق هدایت هستیم یا در گمراهی آشکار.

و نیز در همین زمینه می فرمایـد: «قُلْ فَأْتُوا بِکِتابٍ مِنْ عِنْدِ اللّهِ هُوَ اَهْدی مِنْهُما اَتَّبِعْهُ اِنْ کُنْتُمْ صادِقینَ» (۴۹ / قصص) ؛ بگو: اگر راست می گویید از

جانب خداوند کتابی بیاورید که از این دو (مراد تورات و قرآن است)

بهتر راه بنماید تا من هم از آن پیروی کنم.

۳ انتخاب برتر

قرآن کریم به مسلمان می آموزد که بشنود و مقایسه کند آن گاه از بهترین ها، پیروی نماید: «فَبَشِّرْ عِبادِ اَلَّذینَ یَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَیَتَّبِعُونَ اَحْسَنَهُ» (۱۷ و ۱۸ / زمر) ؛ بندگان مرا بشارت ده، آن کسانی که به سخن گوش می دهند و از بهترین آن پیروی می کنند). نکته ظریف در آیه این است که می گوید «خوب و بد» را بشناسید تا بتوانید «بدتر» را رها و «خوب تر» را انتخاب کنید.

۴ احترام به عقاید دیگران و پرهیز از دشنام

هر دو طرف باید به نظر و عقاید دیگری احترام بگذارند، این مطلب از توجه به لحن برخی آیات قرآنی قابل درک است، مثلاً «وَ لا تَسُبُّوا الَّذینَ یَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللّهِ

فَیَسُبُّوا اللّهَ عَدْواً بِغَیْرِ عِلْمٍ» (۱۰۸ / انعام) ؛ چیزهایی را که آنان به جای اللّه می خوانند، دشنام مدهید که آنان نیز بی هیچ دانشی، از روی کینه توزی به اللّه دشنام دهند. و نیز: «قُلْ لا تُسْئَلُونَ عَمّا اَجْرَمْنا وَ لا نُسْئَلُ عَمّا تَعْمَلُونَ» (۲۵ / سبأ) ؛ بگو: مااگرمرتکب جرمی شویم، شمارا بازخواست نمی کنند و اگر شماکاری انجام دهید ما را بازخواست نخواهند کرد.

اوج زیبایی این تعبیر در مقایسه دو عبارت «اَجْرَمْنا» (مرتکب جرم شدیم) از یک سو و «تَعْمَلُونَ» (کاری انجام دهید) از سوی دیگر، نهفته است.

۵ موضوع گفت و گو

موضوع گفت و گو باید عینی و واقعی باشد، چنان چه موضوعی وهمی یا از جمله امور غیر قابل درک برای طرف دیگر باشد، گفت و گو بی ثمر خواهد

بود، در این حالت، بحث را باید متوقف کرد و به پرسش های مطرح شده،

پاسخی نداد یا پاسخ هایی داد که خیلی کلی باشد، آیاتی که در پی می آید در همین معنا مطرح شده اند:

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهِلَّةِ قُلْ هِيَ مَواقيتُ لِلنّاسِ وَ الْحَجِّ» (۱۸۹ / بقره) ؛ از تو درباره هلال های ماه می پرسند بگو برای آن است که مردم وقت کارهای خویش و زمان حج را بشناسند.

«يَسْئَلُونَكَ عَنِ السّاعَةِ اَيّانَ مُرْسيها قُلْ اِنَّما عِلْمُها عِنْدَ رَبّی» (۱۸۷ / اعراف) ؛ درباره قیامت از تو می پرسند که چه وقت فرامی رسد. بگو: علم آن نزد پروردگار من است.

«وَ يَسْئَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ اَمْرِ رَبّی» (۸۵ / اِسراء) ؛ تو را از

روح می پرسند بگو: روح جزیی از فرمان پروردگار من است... .

«وَ يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْجِبالِ فَقُلْ يَنْسِفُها رَبّی نَسْفا» (۱۰۵ / طه) ؛ تو را از کوه ها

می پرسند. (که سرنوشت آنها در آستانه قیامت چه می شود؟) بگو: پروردگار من همه را پراکنده می سازد.

قرآن، همین موضع را در برابر کسانی که اقدام به طرح مسائل جدل انگیز یا نه چندان جدی می کنند، در پیش گرفته است. بر همین اساس ، تنها باید به مسائل عملی و ملموس ، پرداخته شود:

«فَاَمَّا الزَّبَدُ فَیَذْهَبُ جُفآءً وَ اَمّا ما یَنْفَعُ النّاسَ فَیَمْکُثُ فِی الْاَرْضِ» (۱۷ / رعد) ؛ اما کف به کناری افتد و نابود شود و آنچه برای مردم سودمند است در زمین پایدار بماند... .

شرایط و ادبیات گفت وگو برای وحدت از دیدقرآن (۵۷)

۶ فضا سازی مناسب

برای آن که گفت وگو برای وحدت اثرمثبتی در پی داشته باشد، باید فضاسازی مناسب قبل از مذاکره فراهم شود.

بهترین مثال در این باره، فضای انفعالی است که مشرکان در برابر پیامبر عظیم الشأن اسلام صلی الله علیه و آله پدید آوردند و او را به جنون متهم ساختند ؛ در چنین فضایی استدلال کردن در رد این اتهام، معنایی نداشت ؛ بنابراین قرآن کریم از آن حضرت می خواهد در وهله اول با حذف چنین فضا و فاصله ای به منظور ایجاد جو تفکر و اندیشه وارد مرحله بعدی شود.

«قُلْ اِنَّما اَعِظُکُمْ بِواحِدَهٍ اَنْ تَقُومُوا لِلّهِ مَثْنی وَ فُرادی ثُمَّ تَتَفَکَّرُوا ما بِصاحِبِکُمْ مِنْ جِنَّهٍ اِنْ هُوَ اِلاّ نَذیرٌ لَکُمْ بَیْنَ یَدَیْ عَذابٍ شَدیدٍ» (۴۶ / سبأ) ؛ بگو: شما را

به یک چیز اندرز می دهم، دو به دو، و یک به یک برای خدا قیام کنید سپس بیندیشید، تا بدانید که در یار شما (مراد پیامبر صلی الله علیه و آله است) دیوانگی نیست. اوست که شما را از آمدن عذابی شدید می ترساند.

۷ شیوه گفت و گو برای تحقق وحدت اسلامی

قرآن کریم، نشانه های برجسته ای از این شیوه را یادآور می شود ؛ از جمله انعطاف پذیری، عدم تعصب در روش ها و سرانجام گزینش بهترین راه ها، خداوند متعال می فرماید:

«اُدْعُ اِلی سَبیلِ رَبِّکَ بِالْحِکْمَهِ وَ الْمَوْعِظَهِ الْحَسَنَهِ وَ جادِلْهُمْ بِالَّتی هِیَ اَحْسَنُ اِنَّ رَبَّکَ هُوَ اَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبیلِه وَ هُوَ اَعْلَمُ بِالْمُهْتَدینَ» (۱۲۵ / نحل) ؛ مردم را با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت بخوان و با بهترین شیوه با آنان مجادله کن؛ زیرا پروردگار تو به کسانی که از راه او منحرف شده اند، آگاه تر است و هدایت یافتگان را بهتر می شناسد .

«وَ قُلْ لِعِبادی یَقُولُوا الَّتی هِیَ اَحْسَنُ» (۵۳ / اِسراء) ؛ و به بندگان من بگو که با

یکدیگر به بهترین وجه سخن بگویند... .

«وَ لا تُجادِلُوا اَهْلَ الْكِتابِ اِلاّ بِالَّتی هِیَ اَحْسَنُ» (۴۶ / عنكبوت) ؛ با اهل كتاب جز به نیكوترین شیوه مجادله نكنید... .

نشانه دیگر، رعایت منطق و استدلال درست است به گونه ای كه بحث مورد نظر بدون از این شاخ به آن شاخ پریدن و جدال های بی فرجام به صورت طبیعی از زمینه چینینی و مقدمات، به نتیجه گیری برسد. آیات قرآنی كه از جدل و مناقشه و منازعات لفظی نهی می كنند فراوانند از جمله به استدلال و برهان فرامی خواند و می گوید: «قُلْ هاتُوا بُرْهانَكُمْ» (۶۴ / نمل) ؛ بگو دلایل خود را مطرح سازید.

۸ هدف از گفت و گو

هدف، وصول به گستره های مشترك میان دو طرف است كه از این آیه

شرایط و ادبیات گفت وگو برای وحدت از دیدقرآن (۶۱)

برداشت می شود: «قُلْ یا اَهْلَ الْكِتابِ تَعالَوْا اِلی كَلِمَهٍ سَواءٍ بَیْنَنا وَ بَیْنَكُمْ اَلاّ نَعْبُدَ اِلاَّ اللّهَ وَ لا نُشْرِكَ بِهِ شَیْئا وَ لا یَتَّخِذَ بَعْضُنا بَعْضا اَرْبابا مِنْ دُونِ اللّهِ» (۶۴ / آل عمران)،

ص:۵۲

بگو: ای اهـل کتاب، بیاییـد از آن کلمه ای که پـذیرفته ما و شـماست پیروی کنیم، آن که جز خـدای رانپرستیم و هیـچ چیز را شریک او نسازیم و بعضی از مابعضی دیگر را سوای خدا به پرستش نگیرد... .(۱)

وحدت در نگاه امام علی علیه السلام

امام علی علیه السلام درنهج البلاغه می فرماید:

(۶۲) وحدت از دیدگاه قرآن و سنّت

«امم پیشـین تا مادامی که با هم یـد واحـده بوده اند، همواره در حال پیشـرفت و شـکوفایی بوده و به عزت و اقتدار و خلافت و وراثت زمین نائل گشـته، رهبر و زمامدار جهانیان شده اند. و از آن هنگام که خدا را فراموش کرده و به مادیگری روی آورده دچار خودبرتربینی و تعصبات قومی و فرقه ای و تشتت و پراکندگی

۱- درباره وحدت و تقریب مذاهب اسلامی، محمد علی تسخیری، چاپ اول.

گشته، با هم به نبرد پرداخته اند ؛ خداوند لباس کرامت و عزت و خلافت را از تنشان بیرون آورده و خیر و برکت و وفور نعمت را از آنان سلب و به ذلت و استعمار مبتلا کرده است. به عنوان نمونه کسراها و قیصرها در اثر تفرقه، بر بنی اسرائیل مسلط شدند و آن ها را به بردگی گرفتند، و از سرزمین های آباد و کناره های دجله و فرات به بیابان های کم گیاه و بی آب و علف تبعید کردند، و به ذلت و فقر و مسکنت و جهل و پراکندگی دچار ساختند.

وحدت در نگاه امام علی (ع) (۶۳)

خداوند با نعمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اسلام، بنی اسماعیل و سایر مسلمانان را متحد و برادر ساخت و پر و بال کرامت خود را بر آن ها گشود ؛ نهرهای مواهب خود را به سویشان جاری گرداند ؛ و آنان را به نعمت و قدرت و عظمت و عزت رساند ؛ و حکومتی پایدار نصیبشان ساخت بطوری که کسی قدرت درهم شکستن نیروی آنان را نداشت. متأسفانه پس از چنین هجرتی

باشکوه، مسلمانان به احزاب و فرقه های گوناگون تقسیم شدند». (۱)

راه وصول به وحدت

(۶۴) وحدت از دیدگاه قرآن و سنّت

کـانَ النّـاسُ اُمَّهً واحِـدَهً فَبَعَثَ اللّهُ النَّبِیّینَ مُبَشِّرینَ وَ مُنْـذِرینَ وَ اَنْزَلَ مَعَهُمُ الْکِتـابَ بِـالْحَقِّ لِیَحْکُمَ بَیْنَ النّـاسِ فیمَا اخْتَلَفُوا فیهِ وَ مَا اخْتَلَفَ فیهِ اِلاَّ ـ الَّذینَ اوُتُوهُ مِنْ بَعْـدِ ما جاءَتْهُمُ الْبَیِّناتُ بَغْیا بَیْنَهُمْ فَهَـدَی اللّهُ الَّذینَ امَنُوا لِمَااخْتَلَفُوا فیهِ مِنَ الْحَقِّ بِاِذْنِهِ وَاللّهُ یَهْـدی مَنْ یَشاءُ اِلی صِراطٍ مُسْتَقیمٍ

مردم (در آغاز) یک دسته بودند (و تضادّی در میان آن ها وجود نداشت، به تدریج جوامع وطبقات پدید آمد و اختلافات و تضادّهایی در میان آن ها پیدا شد، در این حال) خداوند پیامبران را برانگیخت تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب

۱- نهج البلاغه، خطبه ۵ .

آسـمانی که به سوی حقّ دعوت می کرد، با آن ها نازل نمود تا درمیان مردم در آن چه اختلاف داشـتند ، داوری کند . (افراد با ایمان در آن اختلاف نکردند) تنها (گروهی از) کسانی که کتاب را دریافت داشته بودند و نشانه های روشن به آن ها

راه وصول به وحدت (۶۵)

رسـیده بود، به خاطر انحراف از حقّ و ستمگری در آن اختلاف کردند ،خداوند آن هایی را که ایمان آورده بودند، به حقیقت آن چه مورد اختلاف بود، به فرمـان خودش رهبری نمود (امـا افراد بی ایمـان همچنـان در گمراهی و اختلاف باقی مانـدنـد) و خدا هرکس را بخواهد ، به راه راست هدایت می کند. (۲۱۳ / بقره)

« اُمَّه » بنـابر نظر « راغـب » در « مُفْرَدات » بـه معنی هر جمـاعتی اسـت که نـوعی رابطه و وحـدت در میـان آن هـا باشـد، خـواه وحدت دینی باشد یا وحدت از نظر زمان و مکان .

در این آیه به سراغ یک بحث اصولی و کلّی و جامع در مورد پیدایش

دین و مذهب و اهداف و مراحل هفتگانه آن می رود .

نخست می فرماید: «انسان ها (در آغاز) همه امت واحدی بودند»

(۶۶) وحدت از دیدگاه قرآن و سنّت

(کانَ النّاسُ اُمَّةً واحِدَةً).

و در آن روز تضادّی در میان آن ها وجود نداشت ، زندگی بشر و اجتماع او ساده بود ، فطرت ها دست نخورده و انگیزه های هوی و هوس و اختلاف و کشمکش در میان آن ها ناچیز بود ، خدا را طبق فرمان فطرت می پرستیدند و وظایف ساده خود را در پیشگاه او انجام می دادند (این مرحله اول زندگانی انسان هابود) که احتمالاً فاصله میان زمان آدم و نوح را پر می کرد.

سپس زندگی انسان ها شکل اجتماعی به خود گرفت و می باید هم چنین شود ، زیرا انسان برای تکامل آفریده شده و تکامل او تنها در دل اجتماع تأمین می گردد (و این مرحله دوّم زندگی انسان ها بود) .

ص:۵۷

ولی به هنگام ظهور اجتماع ، اختلاف ها و تضادّها به وجود آمد ، چه از

راه وصول به وحدت (۶۷)

نظر ایمان و عقیده و چه از نظر عمل و تعیین حقّ و حقوق هرکس و هر گروه در اجتماع و در این جا بشر تشنه قوانین و تعلیمات انبیاء و هدایت های آن ها می گردد تا به اختلافات او در جنبه های مختلف پایان دهد (این مرحله سوّم بود).

« در این جا خداوند پیامبران را برانگیخت تا مردم را بشارت دهند و انذار کنند » (فَبَعَثَ اللّهُ النَّبِیّینَ مُبَشِّرینَ وَ مُنْذِرینَ) (و این مرحله چهارم بود) .

در این هنگام انسان ها با هشدارهای انبیاء و توجّه به مبدأ و معاد و جهان دیگر که در آن جا پاداش و کیفر اعمال خویش را درمی یابند ، برای گرفتن احکام الهی و قوانین صحیح که بتواند به اختلافات پایان دهد و سلامت جامعه و سلامت انسان ها را تأمین کند ، آمادگی پیدا کردند و لذا می فرماید : « خداوند با آن ها کتاب آسمانی به حقّ نازل کرد تا در میان مردم در آن چه اختلاف داشتند ،

حکومت کند » (وَ اَنْزَلَ مَعَهُمُ الْکِتابَ بِالْحَقِّ لِیَحْکُمَ بَیْنَ النّاسِ فیمَا اخْتَلَفُوا فیهِ) .

و به این ترتیب ایمان به انبیاء و تمسّک به تعلیمات آن ها و کتب آسمانی، آبی بر آتش اختلافات فروریخت و آن را خاموش ساخت (و این مرحله پنجم بود) .

این وضع مدّتی ادامه یافت ولی کم کم وسوسه های شیطانی و امواج خروشان هوای نفس ، کار خود را در میان گروهی کرد و با تفسیرهای نادرست تعلیمات انبیاء و کتب آسمانی و تطبیق آن ها بر خواسته های دلشان ، پرچم اختلاف را بار دیگر برافراشتند ولی این اختلاف با اختلافات پیشین فرق داشت ، سرچشمه اختلافات پیشین ، جهل و بی خبری بود که با بعثت انبیاء و نزول کتب آسمانی برطرف گردید ، در حالی که سرچشمه اختلافات بعد همان ستمگری و لجاجت و انحراف آگاهانه از راه حقّ و در یک کلمه « بَغْی » بود و لذا در ادامه این

آیه می فرماید : « در آن اختلاف نکردند ، مگر کسانی که کتاب آسمانی را دریافت

داشته بودند و بیّنات و نشانه های روشن به آن ها رسیده بود ، آری آن ها به خاطر انحراف از حقّ و ستمگری در آن اختلاف کردند » (وَ مَا اخْتَلَفَ فیهِ اِلاَّ الَّذینَ اوُتُوهُ مِنْ بَعْدِ ما جاءَتْهُمُ الْبَیِّناتُ بَغْیا بَیْنَهُمْ) (و این مرحله ششم بود) .

در این جا مردم به دو گروه تقسیم شدند ؛ مؤمنان راستین که در برابر حق تسلیم بودند ، آن ها برای پایان دادن به اختلافات جدید ، به کتب آسمانی و تعلیمات انبیاء بازگشتند و به حقّ رسیدند و لذا می فرماید : « خداوند ، مؤمنان از آن ها را به حقیقت آن چه در آن اختلاف داشتند ، به فرمان خود هدایت فرمود » (در حالی که افراد بی ایمان و ستمگر و خودخواه همچنان در گمراهی و اختلاف باقی ماندند) (فَهَدَی اللّهُ الَّذینَ امَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فیهِ مِنَ الْحَقِّ بِاِذْنِهِ)

(و این مرحله هفتم بود) .

و در پایان آیه می فرماید: «خداوند هرکه را بخواهد (و لایق ببیند) ، به

راه مستقیم هدایت می کند » (وَ اللّهُ یَهْدی مَنْ یَشاءُ اِلی صِراطٍ مُسْتَقیمٍ) .

اشاره به این که مشیت الهی که آمیخته با حکمت او است ، گزاف و بی حساب نیست و از هرگونه تبعیض ناروا برکنار است.

تمام کسانی که دارای نیّت پاک و روح تسلیم در برابر حقّند ، مشمول هدایت های او می شوند ، اشتباهات عقیدتی آن ها اصلاح می گردد و از روشن بینی های مخصوصی برخوردار می شوند ، بر توفیق آنان برای یافتن راه راست می افزاید و آن ها را از اختلافات و مشاجرات دنیاپرستان بی ایمان برکنار می دارد و آرامش روح و اطمینان خاطر و سلامت جسم وجان به آن ها می بخشد.(۱)

راه وصول به وحدت (۷۱)

«بنابراین تمسّک به رهنمود واحد پیامبران الهی و کنار گذاشتن روحیه

ص:۶۱

۱- تفسیر جوان، محمد بیستونی، چاپ اول، ج ۲ ، ص ۲۶۰ تا ۲۶۶

فرصت طلبی و زیاده خواهی تنها راه وصول به وحدت اسلامی است» .

دعوت به سوی وحدت

قُلْ یا اَهْلَ الْکِتابِ تَعالَوْا اِلی کَلِمَهٍ سَواءٍ بَیْنَنا وَ بَیْنَکُمْ اَلاّ نَعْبُدَ اِلاَّ اللّهَ وَ لانُشْرِکَ بِهِ شَیْئا وَ لا یَتَّخِذَ بَعْضُنا بَعْضا اَرْبابا مِنْ دُونِ اللّهِ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِاَنّا مُسْلِمُونَ

بگو : ای اهل کتاب ، بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است ، که

جزخداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم و بعضی از ما ، بعضی دیگر غیر از خدای یگانه به خدایی نپذیرید ، هرگاه (از این دعوت) سر باز زنند، بگویید : گواه باشید که ما مسلمانیم. (۶۴ / آل عمران)

در واقع قران با این طرز استدلال به ما می آموزد ، اگر کسانی حاضر نبودند درتمام اهداف مقدس باشما همکاری کنند ، بکوشید لااقلّ در اهداف مهمّ مشترک ،

همکاری آن ها را جلب کنید و آن را پایه ای برای پیش برد اهداف مقدّستان قرار دهید .

آیه فوق یک ندای وحدت دربرابر تمام مذاهب آسمانی است، به مسیحیان می گوید : شما مدّعی « توحید » هستید و حتّی می گویید : مسأله « تثلیث » (اعتقاد به خدایان سه گانه) منافاتی با توحید ندارد و لذا قائل به وحدت در تثلیث می باشید .

دعوت به سوی وحدت (۷۳)

و همچنین یهوددرعین سخنان شرک آمیز، «عُزَیْر» را فرزند خداپنداشتند، مدّعی توحیدبوده و هستند.

قرآن به همه آن ها اعلام می کند : ما و شما در اصل توحید مشترک هستیم ، بیایید دست به دست هم داده، این اصل مشترک را بدون هیچ پیرایه ای زنده کنیم واز تفسیرهای نابه جاکه نتیجه آن،شرک و دوری از توحید خالص است ،

ص:۶۳

خودداری نماییم .(۱)

دعوت به سوی اتّحاد

(۷۴) وحدت از دیدگاه قرآن و سنّت

وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمیعا وَ لا تَفَرَّقُوا وَ اذْکُرُوا نِعْمَتَ اللّهِ عَلَیْکُمْ اِذْکُنْتُمْ اَعْداءً فَاَلَّفَ بَیْنَ قُلُوبِکُمْ فَاَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ اِخْوانا وَ کُنْتُمْ عَلی شَفاحُفْرَهٍ مِنَ النّارِ فَاَنْقَذَکُمْ مِنْها کَذلِکَ یُبَیِّنُ اللّهُ لَکُمْ ایاتِهِ لَعَلَّکُمْ تَهْتَدُونَ

و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام و هرگونه وسیله وحدت) چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت (بزرگ) خدا رابر خود ، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودیدو او میان دل های شما ، الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او ، برادرشدید و شما برلب حفره ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد ، این

ص:۶۴

۱- تفسیر جوان، محمد بیستونی، چاپ اول، ج ۳، ص ۳۰۶ تا ۳۰۸ .

چنین خداوند آیات خود را برای شما آشکارمی سازد ، شاید پذیرای هدایت شوید. (۱۰۳ / آل عمران)

درباره این که منظور از « بِحَبْلِ اللّهِ » (ریسمان الهی) چیست ؟ باید گفت: منظور

دعوت به سوی وحدت (۷۵)

از هر گونه وسیله ارتباط با ذات پاک خداوند است، خواه این وسیله ، اسلام باشد ، یا پیامبر و اهل بیت او. نکته جالب این که تعبیر از این امور به «حَبْلُ اللّهِ» در واقع اشاره به یک حقیقت است ، که انسان در شرایط عادی و بدون داشتن مربّی و راهنما ، در قعر درّه طبیعت و چاه تاریک غرایز سرکش و جهل و نادانی باقی خواهد ماند و برای نجات از این درّه و برآمدن از این چاه نیاز به رشته و ریسمان محکمی دارد که به آن چنگ بزند و بیرون آید ، این رشته محکم همان ارتباط با خدا از طریق قرآن و آورنده قرآن و جانشینان واقعی او می باشد ، که مردم را از سطوح پایین و پست بالا برده و به آسمان تکامل معنوی و مادّی می رسانند .

سپس قرآن بـه نعمـت بزرگ اتّحـاد و برادری اشـاره کرده و مسـلمانان را بـه تفکّر در وضـع انـدوهبار گذشـته و مقـایسه آن « پراکندگی » با این « وحدت » دعوت

(۷۶) وحدت از دیدگاه قرآن و سنّت

می کند و می گوید : « فراموش نکنید که در گذشـته چگونه با هم دشـمن بودید ولی خداوند در پرتو اسـلام و ایمان دل های شما را به هم مربوط ساخت و شـما دشـمنان دیروز ، برادران امروز شدید : وَ اذْکُرُوا نِعْمَتَ اللّهِ عَلَیْکُمْ اِذْ کُنْتُمْ اَعْدآءً فَاَلَّفَ بَیْنَ قُلُوبِکُمْ فَاَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ اِخْوانا » .

جالب توجّه این که کلمه « نعمت » را دوبار در این جمله تکرار کرده و به این طریق اهمیّت موهبت اتفاق و برادری را گوشـزد می کند .

نکته دیگر این که مسأله تألیف قلوب مؤمنان را به خود نسبت داده ، می گوید : «خدا درمیان دل های شما الفت ایجاد» و بااین تعبیر ، اشاره به یک معجزه اجتماعی اسلام شده ، زیرا اگر سابقه دشمنی و عداوت پیشین عرب را درست دقّت کنیم که

چگونه کینه های ریشه دار در طول سال های متمادّی در دل های آن ها انباشته

دعوت به سوی وحدت (۷۷)

شـده بود و چگونه یـک موضوع جزیی و ساده کافی بود آتش جنگ خونینی در میان آن ها بیفروزد مخصوصا با توجّه به این که مردم نادان و بی سواد و نیمه وحشـی معمولاً افرادی لجوج و انعطاف ناپذیرند و به آسانی حاضر به فراموش کردن کوچک ترین مسایل گذشته نیستند ، در این صورت اهمیّت این « معجزه بزرگ اجتماعی » اسلام آشکار می شود و ثابت می گردد که از طرق عـادی و معمولی امکـان پـذیر نبود که در طیّ چنـد سـال ، از چنـان ملّت پراکنـده و کینه توز و نادان و بی خبر ، ملّتی واحد و متّحد و برادر بسازند .

سپس قرآن می گویـد : « شـما در گذشـته در لبه گودالی از آتش بودید که هر آن ممکن بود در آن سـقوط کنید و همه چیز شما خاکستر گردد » امّا خداوند شما را نجات داد و از این پرتگاه به نقطه امن و امانی که همان نقطه برادری و محبّت

بود رهنمون ساخت : (وَ کُنْتُمْ عَلی شَفا حُفْرَهٍ مِنَ النّارِ فَاَنْقَذَکُمْ مِنْها) .

منظور از « نار » کنایه از جنگ ها و نزاع هایی بوده که هر لحظه در دوران جاهلیّت به بهانه ای در میان اعراب شعله ور می شد ، قرآن مجید با این جمله اوضاع خطرناک عصر جاهلیّت را منعکس می سازد ، که هرلحظه خطر جنگ و خونریزی آن ها را تهدید می کرد و خداوند در پرتو نور اسلام آن ها رااز آن وضع نجات داد و مسلّما با نجات یافتن از وضع خطرناک گذشته از آتش سوزان دوزخ نیز نجات یافتند .(۱)

۱- تفسیر جوان، محمد بیستونی، چاپ اول، ج ۴، ص ۳۰ تا ۳۵ .

دعوت به سوی وحدت (۷۹)

(۸۰) وحدت از دیدگاه قرآن و سنّت

عذاب عظیم در انتظار اختلاف گرایان

وَ لا تَکُونُوا کَالَّذینَ تَفَرَّقُوا وَ اخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ ما جاآءَهُمُ البَیِّناتُ وَ اُولآئِکَ لَهُمْ عَذابٌ عَظیمٌ

و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند، (آن هم) پس از آن که نشانه های روشن (پروردگار) به آنان رسید و آن ها عذاب عظیمی دارند. (۱۰۵ / آل عمران)

نتیجه فوری اختلاف و نفاق ذلّت و خواری است و سِرّ ذلّت و خواری هر ملت را در اختلاف و نفاق آنان باید جستجو کرد ، جامعه ای که اساس قدرت و ارکان همبستگی های آن با تیشه های تفرقه درهم کوبیده شود ، سرزمین آنان برای همیشه جولانگاه بیگانگان و قلمرو حکومت استعمارگران خواهد بود ،

عذاب عظیم در انتظار اختلاف گرایان (۸۱)

راستی چه عذاب بزرگی است .

ص:۶۹

يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَ تَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَاَمَّا الَّذينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ اَكَفَرْتُمْ بَعْدَ اِيْمانِكَمْ فَذُوقـُوا الْعَذابَ بِما كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ

(آن عـذاب عظیم) روزی خواهد بود که چهره هایی سـفید و چهره هایی سـیاه می گردد، اما آن ها که صورت هایشان سـیاه شده ، (به آن ها گفته می شود :) آیا بعد از ایمان ، (و اخوت و برادری در سایه آن ،) کافر شدید ؟ پس بچشـید عذاب را ، به سبب آن چه کفر می ورزیدید. (۱۰۶ / آل عمران)

همـان طور که ایمان و اتّحاد در این جهان مایه روسـفیدی است و به عکس ، ملّت پراکنـده و بی ایمان مردمی روسـیاهند ، در جهان دیگر این روسیاهی و روسفیدی « مجازی » دنیا ، شکل « حقیقی » به خود می گیرد و صاحبان آن ها باچهره های

سفید و درخشان و یا سیاه و تاریک محشور می گردند (۱)

بازگشت به قرآن عامل وحدت است

وَ ما اَنْزَلْنا عَلَیْکَ الْکِتابَ اِلاّ لِتُبَیِّنَ لَهُمُ الَّذِی اخْتَلَفُوا فیهِ وَ هُدًی و رَحْمَهً لِقَوْمٍ یُؤْمِنُونَ

ما قرآن را بر تو نازل نکردیم مگر برای این که آن چه را در آن اختلاف دارند برای آن ها تبیین کنی و مایه رحمت است برای گروهی که ایمان دارند. (۶۴ / نحل)

قرآن وسوسه های شیطان را از دل آن ها می زداید ، پرده های فریبنده نفس امّاره و شیطان صفتان را از چهره حقایق کنار می زند ، خرافات و جنایاتی که در

زیر ماسک های فریبنده پنهان شده آشکار می سازد ، اختلافاتی را که در سایه هوی و هوس پدید آمده برمی چینند ، به قساوت ها پایان می دهد و نور هدایت و

۱- تفسیر جوان، محمد بیستونی، چاپ اول، ج ۴، ص ۴۰ تا ۴۴ .

رحمت را در همه جا می پاشد .(۱)

تخریب نمادهای تفرقه

وَ الَّذینَ اتَّخَذوُا مَسْجِدا ضِرارا وَ کُفْرا وَ تَفْریقا بَیْنَ الْمُؤْمِنینَ وَ اِرْصادا لِمَنْ حارَبَ اللّهَ وَ رَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَ لَیَحْلِفُنَّ اِنْ اَرَدْنا آ اِلاَّ الْحُسْنی وَ اللّهُ یَشْهَدُ اِنَّهُمْ لَکاذِبُونَ

(گروهی دیگر از منافقین) کسانی هستند که مسجدی ساختند برای زیان (به مسلمانان) و (تقویت) کفر و تفرقه میان مؤمنان و کمینگاه برای کسی که با خدا و پیامبرش از پیش مبارزه کرده بود ، آن ها سوگند یاد می کنند که نظری جز نیکی (و خدمت) نداشته ایم ،اما خداوند گواهی می دهد که

۱- تفسیر جوان، محمد بیستونی، چاپ اول، ج ۱۴، ص ۲۲۳ تا ۲۲۴ .

آن ها دروغگو هستند. (۱۰۷ / توبه)

آیه درباره گروهی دیگرازمنافقان است که برای تحقق بخشیدن به نقشه های شوم خوداقدام به ساختن مسجدی درمدینه کردندکه بعدابه نام«مسجدضِرار»معروف شد.

خلاصه جریان به طوری که از تفاسیر و احادیث مختلف استفاده می شود ، چنین است ؛ گروهی از منافقان نزد پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله آمدند و عرض کردند : به ما اجازه ده مسجدی درمیان قبیله بنی سالم (نزدیک مسجد قبا) بسازیم تا افراد

تخریب نمادهای تفرقه (۸۵)

ناتوان و بیمار و پیرمردان ازکارافتاده در آن نماز بگزارند و همچنین در شب های بارانی که گروهی از مردم توانایی آمدن به مسجد شما را ندارند ، فریضه اسلامی خودرا درآن انجام دهند ، و این در موقعی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله عازم جنگ تبوک بود.

پیامبر صلی الله علیه و آله به آن ها اجازه داد ، ولی آن ها اضافه کردند : آیا ممکن است شخصا بیایید و در آن نماز بگزارید ؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : من فعلاً عازم سفرم

و هنگام بازگشت به خواست خدا به آن مسجد می آیم و در آن نماز می گزارم .

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله از تبوک بازگشت ، نزد او آمدند و گفتند : اکنون تقاضا داریم به مسجد ما بیایی و در آن جا نماز بگزاری و از خدا بخواهی ما را برکت دهد و این در حالی بود که هنوز پیامبر صلی الله علیه و آله وارد دروازه مدینه نشده بود .

در این هنگام پیک وحی خدا نازل شد و آیات فوق را آورد و پرده از اسرار کار

آن ها برداشت و به دنبال آن پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد مسجد مزبور را آتش زنند و بقایای آن را ویران کنند و جای آن را محل ریختن زباله های شهر سازند .

اگر به چهره ظاهری کار این گروه نگاه کنیم ، از چنین دستوری در آغاز دچار حیرت خواهیم شد، مگر ساختن مسجد، آن هم برای حمایت از بیماران و پیران و مواقع اضطراری که درحقیقت هم یک خدمت دینی است و هم یک خدمت انسانی، کار بدی است، که چنین دستوری درباره آن صادر شده است .

اما هنگامی که چهره باطنی مسأله را بررسی کنیم ، خواهیم دید این دستور چه قدر حساب شده بوده است (1)

تخریب نمادهای تفرقه (۸۷)

بتخانه ای در چهره مسجد

« ضِرار » به معنی زیان رساندن تَعَمُّدیّ است .

این آیه می گوید : « گروهی دیگر از آن ها مسجدی در مدینه اختیار کردند » که هدف های شومی زیر این نام مقدس نهفته بود (وَ الَّذینَ اتَّخَذوُا مَسْجِدا) .

هدف های آن ها برای ساخت مسجد در چهار بند زیر خلاصه می شود ؛

منظور آن ها این بود که با این عمل ضرر و زیانی به مسلمانان برسانند (ضِرارا) .

۱- تفسیر جوان، محمد بیستونی، چاپ اول، ج ۱۱، ص ۶۳ تا ۶۵ .

آن ها درواقع درست به عکس آن چه ادعا داشتند که هدفشان تأمین منافع

(۸۸) وحدت از دیدگاه قرآن و سنّت

مسلمانان و کمک به بیماران و ازکارافتادگان است ، می خواستند با این مقدمات پیامبر صلی الله علیه و آله را نابود و مسلمانان را درهم بکوبند و حتی اگر توفیق یابند ، نام اسلام را از صفحه جهان براندازند .

تقویت مبانی کفر و بازگشت دادن مردم به وضع قبل از اسلام (وَ کُفْرا) .

ایجاد تفرقه درمیان صفوف مسلمانان، زیرا با اجتماع گروهی در این مسجد ، مسجد « قبا » که نزدیک آن بود و یا مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله که از آن فاصله داشت ، از رونق می افتاد (وَ تَفْریقا بَیْنَ الْمُؤْمِنینَ) .

آخرین هدف آن ها این بود که مرکز و کانونی برای کسی که با خدا و پیامبرش از پیش مبارزه کرده بود و سوابق سوئش بر همگان روشن بود ، بسازند تا از این پایگاه نفاق ، برنامه های خود را عملی سازند (وَ اِرْصادا

لِمَنْ حارَبَ اللّهَ وَ رَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ) .

ولی عجیب این است که تمام این اغراض سوء و اهـداف شوم را در یک لباس زیبا و ظاهر فریب پیچیـده بودند، «حتی سو گند یاد می کردند که ما جز نیکی ، قصد و نظر دیگری نداشتیم » (وَ لَیَحْلِفُنَّ اِنْ اَرَدْنآ اِلاَّ الْحُسْنی).

و این است آیین منافقـان در هر عصـر و زمان که علاوه بر اسـتتار در پرده های ظاهرا زیبا متوسل به انواع سو گنـدهای دروغین برای منحرف ساختن افکار عمومی می شوند .

ولی قرآن اضافه می کند ؛ « خداوندی که از اسرار درون همه آگاه است و غیب و شهود برایش یکسان می باشد ، گواهی می دهد که به طور مسلم آن ها

دروغگو هستند » (وَ اللّهُ یَشْهَدُ اِنَّهُمْ لَکاذِبُونَ). (۱)

تنها به قیافه های حق به جانب اعتماد نکنید

مسلمان کسی است که نفاق و منافق را در هر زمان ، در هر مکان ، و در هر لباس و چهره بشناسد حتی اگر در چهره دین و مذهب و در لباس طرفداری از قرآن و مسجد بوده باشد .

استفاده از «مذهب برضد مذهب» چیزتازه ای نیست ، همواره راه و رسم استعمارگران و دستگاه های جبّار و منافقان در هر اجتماعی این بوده که اگر مردم گرایش خاصی به مطلبی دارند ، از همان گرایش برای اغفال و سپس

استعمار آن ها استفاده کنند و حتی ازنیروی مذهب برضد مذهب کمک بگیرند.

۱- تفسیر جوان، محمد بیستونی، چاپ اول، ج ۱۱، ص ۶۹ تا ۷۱ .

اصولاً فلسفه ساختن پیامبران قلّابی و مذاهب باطل همین بوده که از این راه گرایش های مذهبی مردم را در مسیر دلخواهشان بیندازند .

بدیهی است در محیطی مانند « مدینه » آن هم در عصر پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله با آن نفوذ فوق العاده اسلام و قرآن ، مبارزه آشکار بر ضد اسلام ممکن نبود ، بلکه باید لامذهبی را در لفّافه مذهب و باطل را در لباس حق بپیچند و عرضه کنند تا مردم ساده دل جذب شوند و نیات سوء آن ها لباس عمل به خود بپوشد. ولی مسلمان راستین کسی نیست که آن چنان سطحی باشد که فریب این گونه ظواهر را بخورد ، باید با دقّت در عوامل و دست هایی که برای این گونه برنامه ها شروع به کار می کند و بررسی قرائن دیگر به ماهیّت اصلی پی ببرد

(۹۲) وحدت از دیدگاه قرآن و سنّت

و چهره باطنی افراد را در پشت چهره ظاهری ببیند .

مسلمان کسی نیست که هر ندایی از هر حلقومی برخاست ، همین اندازه که

ظاهرا حق به جانب باشد ، بپذیرد و به آن لبیک گوید ، مسلمان کسی نیست که هر دستی به سویش دراز شد ، آن را بفشارد و هر حرکت ظاهرا دینی را مشاهده کرد ، با آن همگام شود و هر کسی پرچمی به نام مذهب برافراشت ، پای آن سینه زند و هربنایی به نام مذهب ساخته شد، به سوی آن جذب گردد .

مسلمان باید هوشیار ، آگاه ، واقع بین ، آینده نگر و اهل تجزیه و تحلیل در همه مسائل اجتماعی باشد .

دیوان را در لباس فرشته بشناسد ، گرگ ها را در لباس چوپان تشخیص دهد و خود را برای مبارزه با این دشمنان ظاهرا

تنها به قیافه های حق به جانب اعتماد نکنید (۹۳)

دوست آماده سازد.

یک اصل اساسی در اسلام این است که باید قبل از همه چیز نیات بررسی شود و ارزش هر عملی بستگی به نیت آن دارد نه به ظاهر آن ، گرچه نیت یک امر باطنی

است اما ممکن نیست کسی نیتی در دل داشته باشد، اثر آن در گوشه و کنار عملش ظاهر نشود، هر چند در پرده پوشی فوق العاده استاد و ماهر باشد.

از این جا جواب این سؤال روشن می شود که چرا پیامبر صلی الله علیه و آله با آن عظمت مقام دستور داد مسجد یعنی خانه خدا را آتش بزنند و مسجدی که یک ریگ آن را نمی توان بیرون برد ، ویران سازند و مکانی را که اگر آلوده شود ، باید فورا تطهیر کنند ، مزبله گاه شهر سازند .

پاسخ همه این سؤال ها یک مطلب است و آن این که مسجد ضرار ، مسجد

نبود ، درواقع بتخانه بود ، مکان مقدس نبود ، «کانون تفرقه و نفاق بود» ، خانه خدا نبود بلکه خانه شیطان بود و هرگز اسم و عنوان ظاهری و ماسک ها ، واقعیت چیزی را دگرگون نمی سازد .

این درس بزرگی بود که داستان مسجد ضرار به همه مسلمانان برای

همه اعصار و قرون داد .

از این بحث این موضوع نیز روشن می شود که اهمیت اتحاد در میان صفوف مسلمین در نظر اسلام به قدری زیاد است که حتی اگر ساختن مسجدی در کنار مسجد دیگر باعث ایجاد تفرقه و اختلاف و شکاف در میان صفوف مسلمانان گردد ، آن مسجد تفرقه انداز نامقدس است(۱)

تنها به قیافه های حق به جانب اعتماد نکنید (۹۵)

تفرقه هم ردیف عذاب های آسمانی

قُلْ هُوَ الْقادِرُ عَلیآ اَنْ یَّبْعَثَ عَلَیْکُمْ عَذابا مِنْ فَوْقِکُمْ اَوْ مِنْ تَحْتِ اَرْجُلِکُمْ اَوْیَلْبِسَکُمْ شِیَعا وَ یُذیقَ بَعْضَکُمْ بَأسَ بَعْضٍ اُنْظُرْ کَیْفَ نُصَرِّفُ الْایتِ لَعَلَّهُمْ یَفْقَهُونَ

بگو او قادر است که عذابی از طرف فوق یا از زیر پای شما بر شما بفرستد یا

۱- تفسیر جوان، محمد بیستونی، چاپ اول، ج ۱۱، ص ۷۷ تا ۸۰ .

به صورت دسته های پراکنده شما را با هم بیامیزد و طعم جنگ (و ناراحتی) را به هریک از شما به وسیله دیگری بچشاند ، ببین چگونه آیات گوناگون را برای آن ها بازگو می کنیم شاید بفهمند (و بازگردند). (۶۵ / انعام)

مسئله اختلاف کلمه و پراکندگی در میان مردم به قدری خطرناک است که در

(۹۶) وحدت از دیدگاه قرآن و سنّت

ردیف عذاب های آسمانی و صاعقه ها و زلزله ها قرار گرفته است و راستی چنین است ، بلکه گاهی ویرانی های ناشی از اختلاف و پراکندگی به درجات بیشتر از ویرانی های ناشی از صاعقه ها و زلزله ها است ، کرارا دیده شده است کشورهای آباد در سایه شوم نفاق و تفرقه به نابودی مطلق کشیده شده است و این جمله هشداری است به همه مسلمانان جهان .

این که آیه مورد بحث می گوید : خداوند تفرقه درمیان شما بیفکند نه به این معنی است که خداوند بی جهت مردم را گرفتار نفاق و اختلاف می کند بلکه این

ص:۸۳

نتیجه اعمال سوء مردم و خودخواهی ها و خودپرستی ها و سودجویی های شخصی است که نتیجه آن به صورت نفاق و تفرقه بروز می کند و نسبت دادن آن به خدا به خاطر آن است که او چنین اثری را در این

تفرقه هم ردیف عذابهای آسمانی (۹۷)

اعمال زشت قرار داده است .(۱)

تفرقه نشانه شرک است

فَاَقِمْ وَجْهَکَ لِلدّینِ حَنیفا فِطْرَتَ اللّهِ الَّتی فَطَرَ النّاسَ عَلَیْها لا تَبْدیلَ لِخَلْقِ اللّهِ ذلِکَ الدّینُ الْقَیِّمُ وَ لکِنَّ اَکْثَرَ النّاسِ لا یَعْلَمُونَ

روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن ، این فطرتی است که خداوند انسان ها را بر آن آفریده، دگرگونی در آفرینش خدا نیست، این است

۱- تفسیر جوان، محمد بیستونی، چاپ اول، ج ۷، ص ۲۵۰ تا ۲۵۲ .

دین و آیین محکم و استوار ، ولی اکثر مردم نمی دانند .

(۹۸) وحدت از دیدگاه قرآن و سنّت

مُنیبینَ اِلَیْهِ وَ اتَّقُوهُ وَ اَقیمُوا الصَّلوهَ وَ لا تَکُونُوا مِنَ الْمُشْرِکینَ

این باید در حالی باشد که شما بازگشت به سوی او کنید و از او بپرهیزید و نماز را برپا دارید و از مشرکان نباشید .

مِنَ الَّذینَ فَرَّقُوا دینَهُمْ وَ کانُوا شِیَعا کُلُّ حِزْبٍ بِما لَدَیْهِمْ فَرِحُونَ

از کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و به دسته ها و گروه ها تقسیم شدند و (عجیب این که) هر گروهی به آن چه نزد آن ها است ، (دلبسته و) خوشحالند. (۳۰ تا ۳۱ / روم)

«یکی از نشانه های شرک ، پراکندگی و تفرقه است ، چراکه معبودهای مختلف منشأ روش های متفاوت و سرچشمه جدایی ها و پراکندگی ها است» ، به خصوص این که شرک همواره توأم با هوای نفس و تعصب و کبر و خودخواهی و

تفرقه نشانه شرك است (۹۹)

خودپسندی و مولود آن است ، لذا اتحاد و وحدت جز در سایه خداپرستی و عقل و تواضع و ایثار امکان پذیر نیست .

بنابراین هرجا اختلاف و پراکندگی دیدیم ، باید بدانیم نوعی شرك حاکم است ، این موضوع را به صورت نتیجه می توان بازگو کرد که نتیجه شرك ، جدایی صفوف ، تضاد ، هدر رفتن نیروها و سرانجام ضعف و زبونی و ناتوانی است .(۱)

وحدت ثمره توحید است

وَ اِنَّ هذِهِ اُمَّتُكُمْ اُمَّةً واحِدَةً وَ اَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ

(۱۰۰) وحدت از دیدگاه قرآن و سنّت

همه شما امت واحدی هستید و من پروردگار شما هستم ، از مخالفت فرمان من بپرهیزید. (۵۲ / مؤمنون)

ص:۸۶

۱- تفسیر جوان، محمد بیستونی، چاپ اول، ج ۱۰۴، ص ۳۰ تا ۱۰۹ .

آیه فوق به وحدت و یگانگی جامعه انسانی و حذف هرگونه تبعیض و جدایی دعوت می کند، همان گونه که او پروردگار واحد است ، انسان ها نیز امت واحد هستند .

به همین دلیل مردم از یک برنامه پیروی کنند ، همان گونه که پیامبرانشان نیز به آیین واحدی دعوت می کردند که اصول و اساس آن همه جا یکی بود ؛ توحید و شناسایی حق ، توجه به معاد و زندگی تکاملی بشر و استفاده از طیبات و انجام اعمال صالح ، و حمایت از عدالت و اصول انسانی .

اثارِهِمْ مُقْتَدوُنَ : ما پدران خود را بر مذهبی یافتیم و از آن ها پیروی

وحدت ثمره توحید است (۱۰۱)

می کنیم » (۲۳ / زخرف).

فَتَقَطَّعُوا اَمْرَهُمْ بَیْنَهُمْ زُبُرا کُلُّ حِزْبٍ بِمالَدَیْهِمْ فَرِحُونَ

اما آن ها کارهای خودرا به پراکندگی کشاندند و هرگروهی به راهی رفتند (و

عجب این که)هر گروه به آن چه نزد خود دارند ، خوشحالند. (۵۳ / مؤمنون)(۱)

اختلاف در این جا عبارت است از تکّه پاره شدن یک جامعه یا پیروان یک دین به طوری که در آن جامعه، احزاب پیدا بشوند. تحزّب، یا حزب بازی، این است که جمعیتی تا پای جان در برابرِ هدف و مرامی که دارد ایستاده و از آن دفاع کند. یک حزب دیگر هم، همین جور، بنابراین در این آیه آن نوع از اختلاف را مذمت می کند،

که باعث تقطع، تکه پاره شدن امت و حزب، حزب شدن آنان باشد، و هر حزبی به مرام خود و آنچه نزدش محترم است، شاد باشد و سرمست، یعنی هرŠ......Øخودشان را حق بدانند، به آنان مباهات کنند، و فکر دیگران را مردود شمارند: «کُلُّ حِزْبٍ بِما لَدَیْهِمْ فَرِحُون» .

۱- تفسیر جوان، محمد بیستونی، چاپ اول، ج ۱۸، ص ۶۳ تا ۶۴ .

پس در این جا اختلافی که مذمت شده، در قبال وحدت، عبارت است از: تقطّع، تکه پاره شدن و حزب، حزب شدن. این اختلاف را قرآن منع کرده و حرام دانسته است. در حقیقت این اختلاف، مرضی است که دامن گیر مسلمانان شده و باید آن را معالجه کرد، تا مسلمان ها از «تحزّب و تقطّع» نجات یابند. (۱)

وحدت ثمره توحید است (۱۰۳)

اهمیت حفظ وحدت و پرهیز از تفرقه

قالَ یا هرُونُ ما مَنَعَکَ اِذْ رَأَیْتَهُمْ ضَلُّوا

گفت: ای هارون ! چرا هنگامی که دیدی آن ها گمراه شدند .

اَلّا تَتَّبِعَنِ اَفَعَصَیْتَ اَمْری

از من پیروی نکردی ؟ آیا فرمان مرا عصیان نمودی .

۱- ندای وحدت، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول، ص ۶۵.

منظور از جمله « اَلّا تَتَّبِعَنِ » این است که چرا از روش و سنت من در شدت عمل نسبت به بت پرستی پیروی نکردی .

قالَ یَابْنَ اُمَّ لا تَأْخُذْ بِلِحْیَتی وَ لا بِرَأْسی اِنّی خَشیتُ اَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ

(۱۰۴) وحدت از دیدگاه قرآن و سنّت

بَیْنَ بَنی اِسْرائیلَ وَ لَمْ تَرْقُبْ قَوْلی

گفت: ای فرزند مادرم ، ریش و سر مرا مگیر، من ترسیدم بگویی تو میان بنی اسرائیل تفرقه انداختی و سفارش مرا به کار نبستی. (۹۲ تا ۹۳ / طه)

موسی با شدت و عصبانیت هرچه تمام تر این سخنان را با برادرش می گفت و بر او فریاد می زد ، در حالی که ریش و سر او را گرفته بود و می کشید .

هارون که ناراحتی شدید برادر را دید ، برای این که او را بر سر لطف آورد و از التهاب او بکاهد و ضمنا عذر موجه خویش را در این ماجرا بیان کند ، گفت : « فرزند مادرم ! ریش و سر مرا مگیر، من فکر کردم که اگر به مبارزه برخیزم و

درگیری پیدا کنم ، تفرقه شدیدی در میان بنی اسرائیل می افتد و از این ترسیدم که تو به هنگام بازگشت بگویی چرا در میان بنی اسرائیل تفرقه افکندی و سفارش مرا در

اهمیت حفظ وحدت و پرهیز از تفرقه (۱۰۵)

غیاب من به کار نبستی » .(۱)

زشتی تفرقه و نفاق

اِنَّ الَّذینَ فَرَّقُوا دینَهُمْ وَ کانُوا شِیَعا لَسْتَ مِنْهُمْ فی شَیْ ءٍ اِنَّماآ اَمْرُهُمْ اِلَی اللّهِ ثُمَّ یُنَبِّئُهُمْ بِما کانُوا یَفْعَلُونَ

کسانی که آیین خودرا پراکنده ساختند و به دستجات گوناگون(ومذاهب مختلف) تقسیم شدند ، هیچ گونه ارتباطی با آن هانداری ، کار آن ها واگذار به خدا است ، پس خدا آن ها را از آن چه انجام می دادند ، باخبر می کند. (۱۵۹ / انعام)

۱- تفسیر جوان، محمد بیستونی، چاپ اول، ج ۱۶، ص ۲۹۰ تا ۲۹۱ .

(۱۰۶) وحدت از دیدگاه قرآن و سنّت

محتوای آیه یک حکم عمومی و همگانی درباره تمام افراد تفرقه انداز است که با ایجاد انواع بدعت ها میان بندگان خدا ، بذر نفاق و اختلاف می پاشند ، اعم از آن ها که در امت های پیشین بودند یا آن ها که در این امت هستند .

این آیه بار دیگر این حقیقت را که اسلام ، آیین وحدت و یگانگی است و از هرگونه نفاق و تفرقه و پراکندگی بیزار است ، با تأکید تمام بازگو می کند و به پیامبر می گوید : برنامه و کار تو هیچ گونه شباهتی با افراد تفرقه انداز ندارد ، خداوند منتقم قهّار از آنان انتقام خواهد گرفت و عاقبت شوم اعمالشان را به آن ها نشان می دهد . توحید نه تنها یکی از اصول اسلام است ، بلکه تمام اصول و فروع اسلام و همه برنامه های آن بر محور توحید دور می زند ، توحید روحی است در کالبد همه تعلیمات اسلام، توحید جانی است که در پیکر اسلام دمیده شده است .

زشتی تفرقه و نفاق (۱۰۷)

اما با نهایت تأسف آیینی که سر تا پای آن را وحدت و یگانگی تشکیل می دهد ،

امروز آن چنـان دسـتخوش تفرقه نفـاق افکنـان شـده است که چهره اصـلی خـود را به کلی از دست داده ، هر روز نغمه شومی همانند صدای جغدی که در ویرانه می خواند ، از گوشه ای بلند می شود و شخصی ماجراجو یا مبتلا به بیماری روانی و یا کج سلیقه ای پرچم مخالفت با یکی از برنامه های اسـلامی بلند می کند و جمعی از افراد ابله و نادان را گرد خود جمع می نماید و منشأ اختلاف تازه ای می شود . نقش بی اطلاعی و جهل و نادانی جمعی از توده مردم در این نفاق افکنی،ماننـد نقش بیداری و آگاهی دشـمنان، بسیار مؤثر است . گاهی مسائلی را که قرن ها موضوع بحث آن گذشته است ، از نو عَلَم می کنند و جار و جنجال ابلهانه ای پیرامون آن راه می اندازند تا افکار

مردم را به خود مشغول سازند ، اما همان طور که آیه فوق می گوید ، اسلام

از آن ها بیگانه است و آن ها نیز از اسلام بیگانه اند و سرانجام برنامه های نفاق افکنی شکست خواهد خورد .(۱)

(۲)

رابطه اقتدار ملی با وحدت اسلامی

وَ اَطیعُوا اللّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لا تَنزَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ ریحُکُمْ...

و اطاعت (فرمان) خدا و پیامبرش نمایید و نزاع (و کشمکش) مکنید تا

رابطه اقتدار ملی با وحدت اسلامی (۱۰۹)

سست نشوند و قدرت (و شوکت و هیبت) شما از میان نرود... (۴۶ / انفال)

یکی دیگر از مهم ترین برنامه های مبارزه توجّه به مسأله رهبری و اطاعت از دستور پیشوا و رهبر است همان دستوری که اگر انجام نمی گرفت جنگ بدر به

ص:۹۴

۱- شرح بیشتر در « تفسیر نمونه » ، جلد ۳ ، صفحه ۴۲ و ۴۳ آمده است .

۲- تفسیر جوان، محمد بیستونی، چاپ اول، ج ۸، ص ۱۲۹ تا ۱۳۲ .

شکست کامل مسلمانان منتهی می شد ، لذا در آیه بعد می گوید : « و اطاعت خدا و پیامبرش کنید » (وَاَطیعُوا اللّهَ وَ رَسُولَهُ) .

« و از پراکندگی و نزاع بپرهیزید » (وَ لا تَنزَعُوا) .

« زیرا کشمکش و نزاع و اختلاف مجاهدان در برابر دشمن نخستین اثرش سستی و ناتوانی و ضعف در مبارزه است » (فَتَفْشَلُوا) .

«و نتیجه این سستی و فتور از میان رفتن قدرت و قوّت و هیبت و عظمت شماست» (وَ تَذْهَبَ ریحُکُمْ) .

(۱۱۰) وحدت از دیدگاه قرآن و سنّت

« ریح » به معنی باد است و این که می گوید : اگر به نزاع با یکدیگر برخیزید سست می شوید و به دنبال آن باد شما را از میان خواهد برد اشاره لطیفی به این معنی است که قوّت و عظمت و جریان امور بر وفق مراد و مقصودتان از میان خواهد رفت زیرا همیشه وزش بادهای موافق سبب حرکت کشتی ها به سوی

منزل مقصود بوده است و در آن زمان که تنهانیروی محرک کشتی وزش باد بود این مطلب فوق العادّه اهمیت داشت.

به علاوه وزش باد به پرچم ها نشانه برپا بودن پرچم که رمز قدرت و حکومت است می باشد و تعبیر فوق کنایه ای از این معنی است .(۱)

رابطه اقتدار ملی با وحدت اسلامی (۱۱۱)

مذهب عامل وحدت است

وَ ما تَفَرَّقُوا اِلّا مِنْ بَعْدِ ما جاءَ هُمُ الْعِلْمُ بَغْیا بَیْنَهُمْ وَ لَوْلا کَلِمَهٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّکَ اِلی اَجَلٍ مُسَمّیً لَقُضِیَ بَیْنَهُمْ وَ اِنَّ الَّذینَ اوُرِثُو الْکِتابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفی شَکٍّ مِنْهُ مُریبٍ

آن ها پراکنده نشدند مگر بعد از علم و آگاهی و این تفرقه جویی به خاطر انحراف ازحق بود (و عداوت و حسد) و اگر فرمانی از سوی پروردگارت صادر

۱- تفسیر جوان، محمد بیستونی، چاپ اول، ج ۱۰، ص ۴۴ تا ۴۶ .

نشـده بود که آن هاتـا سـرآمد معینی زنـده و آزاد باشـند، خداونـد در میـان آن ها داوری می کرد و کسانی که بعـد از آن ها وارثان کتاب شدند از آن در شک و تردیدند ، شکی توأم بابدبینی و سوء ظن. (۱۴ / شوری)

(۱۱۲) وحدت از دیدگاه قرآن و سنّت

این آیه به پاسخ این سؤال پرداخته ، سرچشمه اصلی اختلافات دینی را بیان می کند .

سرچشمه اختلاف های مذهبی جهل و بی خبری نبود ، بلکه بغی و ظلم و انحراف از حق و اعمال نظرهای شخصی بود .

« دانشمندان دنیاطلب » و « عوام های متعصب و کینه توز » دست به دست هم دادند و این اختلافات را بنیان نهادند .

این آیه پاسخ روشـنی است به آن ها که می گویند مذهب در میان بشـر ایجاد اختلاف کرده و خونریزی های فراوانی در طول تاریخ ببار آورده است ،

زیرا اگر دقت شود ، مـذهب همیشه عامـل وحـدت و یکپارچگی در محیط خود بوده (همان گونه که در مورد اسـلام و قبایل حجاز و حتی

مذهب عامل وحدت است (۱۱۳)

اقوام خارج از جزیره عرب تحقق یافت و به اختلافات پایان و امت واحدی ساخت). ولی سیاست های استعماری در میان مردم تفرقه ایجـاد کرد ، به اختلافات دامن زده و مایه خونریزی ها شـده است. افزودن سـلیقه های شخصـی و تحمیل آن بر مـذاهب آسمانی خود یک عامل بزرگ دیگر تفرقه بود که آن هم از «بَغْی» مایه می گرفت (۱)

۱- تفسیر جوان، محمد بیستونی، چاپ اول، ج ۲۵، ص ۶۳ تا۶۵ .

تفرقه عامل شکست ملت هاست

وَ لَقَدْ اتَیْنا بَنی اِسْرائیلَ الْکِتابَ وَ الْحُکْمَ وَ النُّبُوَّهَ وَ رَزَقْناهُمْ مِنَ الطَّیِّباتِ وَ فَضَّلْناهُمْ عَلَی الْعالَمینَ

ما بنی اسرائیل را کتاب آسمانی و حکومت و نبوت بخشیدیم و از روزی های پاک به آن ها عطا کردیم و آن ها را بر جهانیان (و مردم عصر خویش) برتری بخشیدیم.(۱۶ / جاثیه)

وَ اتَیْناهُمْ بَیِّناتٍ مِنَ الْاَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا اِلاّ مِنْ بَعْدِ ما جاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْیابَیْنَهُمْ اِنَّ رَبَّکَ یَقْضی بَیْنَهُمْ یَوْمَ الْقِیامَهِ فیما کانُوا فیهِ یَخْتَلِفُونَ

و دلایل روشنی از امر نبوت و شریعت در اختیار آن ها قرار دادیم ، آن ها اختلاف نکردند ، مگر بعد از علم و آگاهی، و این اختلاف به خاطر ستم و

برتری جویی بود، اماپروردگارت روز قیامت درمیان آن ها درآن چه اختلاف

داشتند ، داوری می کند .(۱۶ و ۱۷ / جاثیه)

بـا وجـود این مواهب بزرگ و دلایـل بیّن و روشن ، جـایی برای اختلاـف وجود نـداشت ، ولی این کفران کننـدگان به زودی دست به اختلاف زدند .

آن ها پرچم طغیان برافراشـتند و هرگروهی به جان گروه دیگری افتاد، حتی عوامل وحدت و انسجام را وسیله اختلاف و تفرقه قرار دادنـد و به دنبال آن قـدرتشان به ضـعف گراییـد ، سـتاره عظمتشان اُفول کرد ، حکومتشان متلاشـی شـد و دردنیادربه در شدند .(۱)

ص:۱۰۰

۱- تفسیر جوان، محمد بیستونی، چاپ اول، ج ۲۵، ص ۳۷۴ تا۳۷۷ .

نهی از ایجاد تفرقه در جامعه اسلامی

« وَ مَنْ يُشاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ ما تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدى وَ يَتَّبِعْ غَيْرَ سَبيلِ الْمُؤْمِنينَ نُوَلِّه ما تَوَلّى وَ نُصْلِه جَهَنَّمَ وَ سآئَتْ مَصيرا»

«و هر کس بعد از آنکه حق برایش روشن شد مخالفت رسول کند و روشی غیر راه مؤمنین اتخاذ نماید، وی را به همان وضعی که دوست دارد واگذاریم و به جهنم در آریم که چه بد سرانجامی است!» (۱۱۵ / نساء)

«اِنَّ اللّهَ لا يَغْفِرُ اَنْ يُشْرَكَ بِه وَ يَغْفِرُ ما دُونَ ذلِكَ لِمَنْ يَشآءُ وَ مَنْ يُشْرِكْ بِاللّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلالاً بَعيدا»

«خدا به هیچ وجه نمی بخشد که به او شرک آورند، و گناهان کوچکتر از آن را از هر کس بخواهد می بخشد و هر که به خدا شرک بورزد به گمراهی افتاده است.» (۱۱۶ / نساء)

مشاقه کردن با رسول خـدا، آن هم بعـد از آن که راه هـدایت روشن و مشـخص شده معنائی جز مخالفت کردن با رسول، و از اطاعتش سرپیچی کردن ندارد. چون اطاعت رسول، اطاعت خدای تعالی است «مَنْ یُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ اَطاعَ اللّهَ» (۸۰ / نساء)

پس سبیـل مؤمنین بـدان جهت که بر ایمـان به خـدا اجتمـاع کرده جامعه ای تشـکیل می دهـد، همان اجتماع بر اطاعت خـدا و رسول است. راه مؤمنین عبارت است از اجتماع بر اطاعت رسول. چون حافظ وحدت سبیل مؤمنین

همان اطاعت رسول است.

و وقتی به حکم آیـات راه خـدا عبـارت است از راه تقوا و مؤمنین عبارتنـد از کسانی که به سوی این راه دعوت شـده انـد، در نتیجه سبیل این مؤمنین در حالی که اجتماعی تشکیل داده اند عبارت است از سبیل تعاون برتقوا

«تَعاوَنُوا عَلَی الْبِرِّ وَ التَّقْوی وَ لا تَعاوَنُوا عَلَی الْاِثْمِ وَ الْعُدْوانِ» (۲ / مائده)

این آیه بطوری که ملاحظه می کنید از معصیت خدای تعالی و شق عصای اجتماعی اسلام و یا به عبارتی ایجاد تفرقه در آن را نهی می کند.

بـااین افراد دو نوع معامله می شود: «نُوَلِّه ما تَوَلّی،» و«نُصَـلِّه جَهَنَّم،» و نیز دلالت دارد بر اینکه هر دو معامله یکی است، یک امر الهی است که قسمتی از آن که قسمت آغاز آن باشد در دنیا جریان می یابد و آن مسأله

نهی از ایجاد تفرقه در جامعه اسلامی (۱۱۹)

«تَوَلِّیَتَ ما تَوَلّی» است و قسـمت دیگرش در آخرت بروز می کنـد و آن مسأله «اِصْـلاءِ در جهنم» است، که بد بازگشت گاهی است .

«اِنَ اللّهَ لا یَغْفِرُ اَنْ یُشْرَکَ بِه...» این آیه دلالت می کند بر اینکه مشاقه و دشمنی با رسول، شرک به خدای عظیم است، و اینکه خدای تعالی این گناه را که به وی شرک بورزند نمی آمرزد، و ای بسا این معنا از آیات شریفه زیر نیز

استفاده شود که می فرماید:

«اِنَّ الَّذینَ کَفَروُا وَ صَدُّوا عَنْ سَبیلِ اللّهِ وَ شاقُّواالرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ ما تَبَیَّنَ لَهُمُ الْهُدی لَنْ یَضُرُّوا اللّهَ شَیْئا وَ سَیُحْبِطُ اَعْمالَهُمْ» (۳۲ / محمد)

«یا اَیُّهَاالَّذینَ امَنُوا اَطیعُواللّهَ وَ اَطیعُوا الرَّسُولَ وَ لا تُبْطِلُوا اَعْمالَکُمْ» (۳۳ / محمد) «اِنَّ الَّذینَ کَفَروُا وَ صَدُّوا عَنْ سَبیلِ اللّهِ ثُمَّ ماتُوا وَ هُمْ کُفّارٌ فَلَنْ

یَغْفِرَ اللّهُ لَهُمْ» (۳۴/محمد)

چون ظاهر آیه سوم این است که می خواهد مضمون آیه دوم که به اطاعت خدا و اطاعت کردن از رسول امر می کند را تعلیل کند، در نتیجه بفهماند که خروج از اطاعت خدا و طاعت رسول او، کفری است که هرگز آمرزیده نمی شود، و این را هم به حکم آیاتی دیگر می دانیم که کفری که هرگز آمرزیده نمی شود شرک به خدا است.

ص:۱۰۴

الحاق جمله « وَ یَغْفِرُ ما دُونَ ذلِکَ لِمَنْ یَشآءُ»به جمله «اِنَّ اللّهَ لا یَغْفِرُ اَنْ یُشْرَکَ بِهِ» به این منظور بوده که بیان را تکمیل کند و عظمت این مصیبت شوم یعنی مشاقه و دشمنی با رسول رابفهماند!!(۱)

نهی از ایجاد تفرقه در جامعه اسلامی (۱۲۱)

دستور دخول در سلم جمعی

«یا اَیُّهَا الَّذینَ امَنُوا ادْخُلُوا فِی السِّلْمِ کافَّهً وَ لا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّیْطانِ اِنَّهُ لَکُمْ عَدُوٌّ مُبینٌ »

«ای کسانی که ایمان آورده اید بدون هیچ اختلافی همگی تسلیم خدا شوید و زنهار گامهای شیطان را پیروی مکنید که او برای شما دشمنی آشکار است،» (۲۰۸ / بقره)

ص:۱۰۵

۱- المیزان ج: ۵ ص: ۱۳۱ .

«فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ ما جاءَتْكُمُ الْبَيِّناتُ فَاعْلَمُوا اَنَّ اللّهَ عَزيزٌ حَكيمٌ»

«پس اگر بعد از این همه آیات روشن که برایتان آمد داخل در سلم نگردید و

(۱۲۲) وحدت از دیدگاه قرآن و سنّت

باز هم پیروی گامهای شیطان کنید بدانید که خدا غالبی شکست ناپذیر و حکیمی است که هر حکمی در باره شما براند به مقتضای حکمت می راند.» (۲۰۹ / بقره)

این آیات راه تحفظ و نگهداری وحدت دینی در جامعه انسانی را بیان می کند، و آن این است که مسلمانان داخل در سلم شوند، وتنها آن سخنانی که قرآن تجویز کرده بگویند، و آن طریقه عملی را که قرآن نشان داده پیش گیرند، که وحدت دینی از بین نمی رود، و سعادت دو سرای انسان ها رخت نمی بندد، و هلاکت به سراغ هیچ قومی نمی رود مگر به خاطر خارج شدن از سلم، و تصرف در آیات خدا، و جابجا کردن آنها، که در امت بنی اسرائیل و امتهای گذشته دیگر

دیده شده، و به زودی نظیر آن هم در این امت جریان خواهد یافت.

ولی خدای تعالی این امت را وعده نصرت داده و فرموده: «اَلا اِنَّ

دستور دخول در سلم جمعی (۱۲۳)

نَصْرُ اللّهَ قَرِیبْ!»

کلمات سلم و اسلام و تسلیم هرسه به یک معنا است و کلمه «کافَّه» یعنی همگی، مانند کلمه «جَمیعا» تأکید را افاده می کند، و چون خطاب به مؤمنین بود و مؤمنین مأمور شده اند همگی داخل در سلم شوند پس در نتیجه امر در آیه مربوط به همگی و به یک یک افراد جامعه است، هم بر یک یک افراد واجب است و هم بر جمیع که در دین خدا چون و چرا نکنند، و تسلیم امر خدا و رسول او گردند.

و نیز از آنجائی که خطاب به خصوص مؤمنین شده، آن سلمی هم که به

سویش دعوت کرده به معنای تسلیم در برابر خدا و رسول شدن است، و امری است متعلق به مجموع امت و به فرد فرد آنان، پس هم بر یک یک

(۱۲۴) وحدت از دیدگاه قرآن و سنّت

مؤمنین واجب است و هم بر مجموع آنان.

پس سلمی که بدان دعوت شده اند عبارت شد از تسلیم شدن برای خدا، بعد از ایمان به او.

پس بر مؤمنین واجب است امر را تسلیم خدا کنند، و برای خود صلاح دید و استبداد به رأی قائل نباشند و به غیر آن طریقی که خدا و رسول بیان کرده اند طریقی دیگر اتخاذ ننمایند، که هیچ قومی هلاک نشد مگر به خاطر همین که راه خدا را رها کرده، راه هوای نفس را پیمودند، راهی که هیچ دلیلی از ناحیه خدا بر آن نداشتند، و نیز حق حیات و

سعادت جدی و حقیقی از هیچ قومی سلب نشد مگر به خاطر این که در اثر پیروی هوای نفس ایجاد اختلاف کردند.

دستور دخول در سلم جمعی (۱۲۵)

از اینجـا روشن می گردد که مراد از پیروی خطـوات شـیطان، پیروی او در تمـامی دعـوت هـای او به باطـل نیست، بلکه منظور پیروی او است در دعوتهائی که به عنوان دین می کند، و باطلی را که أجنبی از دین است زینت داده و در لفافه زیبای دین می پیچـد، و نام دین بر آن می گـذارد، و انسان های جاهل هم بدون دلیل آنرا می پذیرند، و علامت شـیطانی بودن آن این اسـت که خدا و رسول در ضمن تعالیم دینی خود نامی از آن نبرده باشند.

و از خصوصـیات سـیاق کلام و قیود آن این معنا نیز استفاده می شود، که خطوات شیطان تنها آن گامهائی از شیطان است، که در طریقه و روش

ص:۱۰۹

پیروی شود.

و اگر فرض کنیم که این پیروی کننده مؤمن باشد که طریقه او همان طریقه

ایمان است لاجرم طریقه چنین مؤمنی طریقه شیطانی در ایمان است، و وقتی بر هر مؤمنی دخول در سلم واجب باشد، قهرا هر طریقی که بدون سلم طی کند خطوات شیطان و پیروی از آن پیروی از خطوات شیطان خواهد بود.

پس این آیه شریفه نظیر آیه: «یـا اَیُّهَـا النّاسُ کُلُوا مِمّا فِی الْاَرْضِ حَلالاً طَیِّبا وَ لا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّیْطانِ اِنَّهُ لَکُمْ عَدُوٌّ مُبینٌ اِنَّما یَأْمُرُکُمْ بِالسُّوءِ وَ الْفَحْشاءِ وَ اَنْ تَقُولُوا عَلَی اللّهِ ما لا تَعْلَمُونَ» (۱۶۸ و ۱۶۹ / بقره) خواهد بود.

و نیز نظیر آیه: « یا اَیُّهَا الَّذینَ امَنُوا لا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّیْطانِ وَ مَنْ

يَتَّبِعْ خُطُواتِ الشَّيْطانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشاءِ وَ الْمُنْكَرِ» (۲۱ / نور)

و باز نظیر آیه: « كُلُوا مِمّا رَزَقَكُمُ اللّهُ وَ لا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطانِ اِنَّهُ لَكُمْ

دستور دخول در سلم جمعی (۱۲۷)

عَدُوٌّ مُبینٌ» می باشد.

فرق میان این آیات و آیه مورد بحث این است که در آیه مورد بحث به خاطر کلمه «كافَّه» دعوت متوجه به جماعت شده و در آیات نامبرده این خصوصیت نیست، پس آیه مورد بحث در معنای آیه: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمیعا وَ لاتَفَرَّقُوا» و آیه: «وَ اَنَّ هذا صِراطی مُسْتَقیما فَاتَّبِعُوهُ وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبیلِهِ» (۱۵۳ / انعام) است، که خطاب متوجه جامعه اسلام و مجموعه افراد شده است.

از آیه شریفه بالا استفاده می شود که اسلام تمامی احکام و معارفی را که

مورد حاجت بشر است و صلاح مردم را تأمین می کند تکفل کرده است .

«فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ ما جاءَتْکُمُ الْبَیِّناتُ» «زَلَلْتُمْ» به معنای لغزش و اشتباه

است و معنای آیه این است که حال که دستور دادیم همگی داخل در سلم شوید، اگر نشدید و به خطا رفتید، با اینکه زلت همان پیروی خطوات شیطان بود پس بدانید که خدا عزیز و مقتدری است که در کارش از هیچ کس شکست نمی خورد، و حکیمی است که در قضائی که درباره شما می راند هرگز از حکمت خارج نمی شود، آنچه حکم می کند بر طبق حکمت است، و بعد از آنکه حکم کرد خودش هم ضامن اجرای آن است اجرا می کند بدون اینکه کسی بتواند از اجرای آن جلوگیری کند.(۱)

۱- المیزان ج: ۲ ص: ۱۵۰ .

وحدت از دیدگاه سنّت

«قالَ رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : یَدُ اللّه ِ عَلَی الْجَماعَهِ، فَإذَا اشْتَذَّ الشّاذُّ مِنْهُمْ اخْتَطَفَهُ الشَّیْطانُ

(۱۲۹)

کَما یَخْتَطِفُ الذِّئْبُ الشّاهَ الشّاذَّهَ مِنَ الْغَنَمِ»

دست خدا بر سر جماعت است ؛ هرگاه فردی از جماعت جدا شود شیطان او را می رباید؛ همچنان که گرگ گوسفند جدا مانده از رمه را .(۱)

معنای جماعت

«اَلْإمامُ عَلیٌّ علیه السلام : وَ قَدْ سُئِلَ عَنْ تَفْسیرِ السُّنّهِ وَ الْبِدْعَهِ وَ الْجَماعَهِ وَ الْفُرْقَهِ : اَلسُّنَّهُ وَاللّه ِ سُنّهُ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله ، وَ الْبِدعَهُ ما فارَقَها، وَ الْجَماعَهُ وَ اللّه ِ مُجامَعَهُ أهْلِ الْحَقِّ وَ إنْ قَلُّوا، وَ الْفُرْقَهُ مُجامَعَهُ أهْلِ الْباطِلِ و إنْ کَثُرُوا»

ص:۱۱۳

۱- کنز العمّال: ۱۰۳۱ .

(۱۳۰) وحدت از دیدگاه قرآن و سنّت

امام علی علیه السلام در پاسخ به پرسش معنای سنّت، بدعت، جماعت و تفرقه فرمود: به خدا سوگند سنّت همان سنتّ محمد صلی الله علیه و آله است و بدعت آنچه خلاف آن باشد و به خدا قسم جماعت همدست شدن با اهل حق است هر چند اندک باشند و تفرقه همدستی با اهل باطل است هر چند بسیار باشند.(۱)

پیامدهای اختلاف

«رَسولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : مَا اخْتَلَفَتْ اُمَّةٌ بَعْدَ نَبِیّها إلاّ ظَهَرَ أهْلُ باطِلِها عَلی أهْلِ حَقِّها»

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ امتی پس از پیامبر خود گرفتار

معنای جماعت (۱۳۱)

اختلاف نشد مگر آن که باطل گرایان آن بر حق خواهانش پیروز گشتند.(۲)

«رَسولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : لا تَخْتَلِفُوا، فَإنَّ مَنْ کانَ قَبْلَکُمُ اخْتَلَفوا فَهلَکوا».

ص:۱۱۴

۱- کنز العمّال .

۲- کنز العمّال: ۹۲۹.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : با هم اختلاف نکنید ؛ که پیشینیان شما دچار اختلاف شدند و نابود گشتند. (۱)

«رَسولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : لا تَخْتَلِفوا فَتخْتَلِفَ قُلُوبُکُم»

با یکدیگر ناسازگاری مکنید که دلهایتان ناسازگار و پراکنده می شود. (۲)

«رَسولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : أذَهَبْتُم مِن عِنْدی جَمیعا وَ جِئْتُم مُتَفَرِّقینَ؟! إنّما

أهْلَکَ مَنْ کانَ قَبْلَکُمُ الْفُرْقَهُ»

از نزد من با هم و یکپارچه رفتید و پراکنده برگشتید؟ جز این نیست که پیشینیان شما را، تفرقه و پراکندگی نابود کرد. (۱)

۱ کنزالعمال: ۸۹۴، ۸۹۵، ۹۲۰، ۳۱۷۵۴

۱- کنزالعمال: ۸۹۴، ۸۹۵، ۹۲۰، ۳۱۷۵۴.

۲- کنزالعمال: ۸۹۴، ۸۹۵، ۹۲۰، ۳۱۷۵۴.

«اِحْذَروا ما نَزَلَ بِالْاُمَمِ قَبْلَكَمْ مِن الْمَثُلَاتِ بِسُوءِ الأفْعالِ وَ ذَميمِ الأعْمالِ، فَتَذَكّروا فِی الْخَیرِ وَ الشَّرِّ أحْوالَهُمْ، وَ احْذَروا أنْ تَكونوا أمْثالَهُم .

فَإذا تَفَكّرْتُم فی تَفاوُتِ حالَیْهِم فَالْزَموا كُلَّ أمْرٍ لَزِمَتِ الْعِزّهُ بِهِ شَأنَهُم (حالَهُم)، وَ زاحَتِ الْأَعْداءُ لَهُ عَنْهُم، وَ مُدَّتِ الْعافِیَهُ بِهِ عَلَیْهِمْ، وَ انْقادَتِ النِّعْمَهُ، وَ وَصَلَتِ الْكَرامَهُ عَلَیْهِ حَبْلَهُم: مِنَ الْاِجْتِناب لِلْفُرْقَهِ، وَ اللُّزوم لِلْاُلْفَهِ، وَ التَّحاضِّ عَلَیْها، وَ التَّواصی بِها. وَ اجْتَنِبوا كُلَّ أمْرٍ كَسَرَ فِقْرَتَهُمْ، وَ أوْهَنَ مُنَّتَهُم: مِنْ تَضاغُنِ الْقُلوبِ، و تَشاحُنِ الصُّدورِ،

پیامدهای اختلاف (۱۳۳)

وَ تَدابُرِ النُّفوسِ، و تَخاذُلِ الْأَیْدی. و تَدبَّروا أحْوالَ الْماضینَ مِنَ الْمُؤْمنینَ قَبْلَكُم... فَانْظُرُوا كَیْفَ كانُوا حَیْثُ كانَتِ الْأمْلاءُ مُجْتَمِعهً، وَ الأهْواءُ مُؤْتَلِفَهً (مُتَّفِقَهً)، وَ الْقُلُوبُ مُعْتَدِلَهً، وَ الْأیْدی مُتَرادِفَهً (مُترافِدَهً)، وَ السُّیوفُ مُتَناصِرَهً، وَ الْعَزائمُ واحِدَهً. أَلَمْ یَكُونُوا أرْبابا فی أقْطارِ الْاَرَضینَ، وَ مُلوكا عَلی رِقابِ الْعالَمینِ؟!فانْظُروا إلی ما صارُوا إلَیْهِ فی آخِرِ اُمورِهِم، حِینَ وَقَعتِ الْفُرقَهُ، وَ تَشَتُّتِ الْاُلْفَهُ، وَ اخْتَلَفَتِ الْكَلِمَهُ وَ الأفْئدَهُ،

وَ تَشَعَّبُوا مُخْتَلِفینَ، وَ تَفَرَّقُوا مُتَحارِبینَ (مُتَحازِبینَ)، قَد خَلَعَ اللّه عَنهُم لِباسَ کَرامَتِهِ، وَ سَلَبَهُم غَضارَهَ نِعْمَتِهِ، وَ بَقِیَ قَصصُ أخْبارِهِم فیکُم عِبَرا لِلْمُعْتَبِرینَ.

امام علی علیه السلام : از بلاهایی که به سبب اعمال زشت و نکوهیده بر سر ملت های پیش از شما آمد بپرهیزید و احوال خوب و بد آنان را به یاد آورید و از این که چون آنان باشید دوری کنید.

(۱۳۴) وحدت از دیدگاه قرآن و سنّت

اگر در احوال نیک و بد آنان بیندیشید همان کاری را عهده دار شوید که عزیزشان گرداند و دشمنانشان را از آنان دورساخت و تندرست نگاهشان داشت و نعمت و فراوانی به سراغشان آمد و نیکوکاری و بزرگواری باعث پیوند آنان گردید و آن از تفرقه و پراکندگی اجتناب ورزیدن و به یکدیگر مهربانی کردن و همدیگر را به این کار تشویق نمودن است و از کارهایی که پشت آنان را شکست و قدرت آنان را از بین برد دوری کنید ؛ کارهایی چون کینه ورزی دل ها و دشمنی

سینه ها و پشت کردن جان ها به یکدیگر و دست شستن از یاری هم و در احوال مؤمنان پیش از خود نیز بیندیشید... و بنگرید که آنـان چگونه بودنـد آن گـاه که جمعیت ها فراهم بودنـد و خواست ها یکی بود و دل ها یکسان بود و چگونه دست ها یار هم بودند و شمشیرها به کمک یکدیگر می آمدند و بینشان ژرف و اراده ها

پیامدهای اختلاف (۱۳۵)

یکی. آیا مهتران سراسر زمین نبودند و بر گرده جهانیان شهر یاری نمی کردند؟ نیز به فرجام کار آن ها بنگرید آن گاه که در میانشان جدایی افتاد و رشته الفت از هم گسست و سخن ها و دل هایشان از هم جدا گشت و به دسته های گونه گون تقسیم شدند و دسته دسته شده به جان هم افتادند. در این هنگام خداوند جامه کرامت را از تن آنان برکند و نعمت های فراوانش را از ایشان گرفت و داستان

سرگذشت آنها در میان شما ماند تا درس عبرتی برای عبرت آموزان باشد. (۱)

«اَلْإمامُ عَلیٌّ علیه السلام : أَیْمُ اللّه ِ، مَا اخْتَلَفتْ اُمَّةٌ بَعدَ نَبِیّها إلاّ ظَهرَ أهْلُ باطِلِها عَلی أهْلِ حقِّها إلاّ ما شاءَاللّه »

۱ نهج البلاغه: الخطبه ۱۹۲.

(۱۳۶) وحدت از دیدگاه قرآن و سنّت

امام علی علیه السلام : به خدا سوگند می خورم که هیچ امتی پس از آن پیامبر خود دچار اختلاف نشد جز آن که باطل گرایان آن امت بر حق خواهانش چیره گشتند، مگر آن جا که خدا نخواست. (۲)

«اَلْإمامُ عَلیٌّ علیه السلام : إیّاکُم و التَّلَوُّنَ فی دِینِ اللّه ِ، فإنَّ جَماعَةً فیما تَکْرَهونَ مِن الْحَقِّ خَیْرٌ مِن فُرقَةٍ فیما تُحِبّونَ مِنَ الْباطِلِ، وَ إنَّ اللّه َ سُبحانَهُ لَم یُعْطِ أحَدا بفُرقَةٍ خَیْرا، مِمّن بَقِیَ»

امام علی علیه السلام : از چندرنگی و اختلاف دردین خدا بپرهیزید؛ زیرا یکپارچگی در

۱- نهج البلاغه: الخطبه ۱۹۲.

۲- شرح نهج البلاغه لابن أبی الحدید ۵/۱۸۱.

آنچه حق است ولی شما آن را ناخوش می دارید. از پراکندگی در آنچه باطل است اما خوشایند شما می باشد بهتر است. خدای سبحان به هیچ یک از گذشتگان و

پیامدهای اختلاف (۱۳۷)

باقی ماندگان بر اثر تفرقه و جدایی خیر و خوبی عطا نکرده است. (۱)

«اَلْإمامُ عَلیٌّ علیه السلام : إنَّ الشَّیْطانَ یُسَنّی لَکُم طُرُقَهُ، و یُریدُ أنْ یَحُلَّ دِینَکُم عُقْدَهً عُقْدَهً، و یُعْطِیَکُم بِالْجَماعَهِ الفُرْقَهَ، وَ بِالْفُرْقَهِ الفِتْنَهَ، فَاصْدِفُوا عَنْ نَزَغاتِهِ و نَفَثاتِهِ»

همانا شیطان راه های خود را برای شما آسان و هموار می کند و می خواهد بندبند دین شما را بگسلاند و به جای یکپارچگی پراکندگی نصیبتان کند و بر اثر پراکندگی فتنه و فساد پدید آورد. پس از وسوسه ها و افسون هایش رویگردان شوید. (۲)

۱- نهج البلاغه: الخطبه ۱۷۶.

۲- نهج البلاغه: الخطبه ۱۲۱.

«اَلْإمامُ عَلیٌّ علیه السلام : وَاللّه ِ، لَاَءَظُنُّ أنَّ هؤلاءِالقَومَ سَیُدالونَ مِنْکَم بِاجْتِماعِهِم عَلی باطِلِهِم

(۱۳۸) وحدت از دیدگاه قرآن و سنّت

وَ تَفَرُّقِکُم عَنْ حَقِّکُم»

به خدا سوگند، گمان می کنم که این قوم بزودی بر شما یکپارچه و متحدند و شما در حق خود دچار تفرقه و پراکندگی هستید. (۱)

«اَلْإمامُ عَلیٌّ علیه السلام : لا یَزالُ هذَا الْأَمْرُ فی بَنی اُمَیَّهَ ما لَمْ یَخْتلِفوا بَیْنَهُم»

تا زمانی که میان بنی امیه اختلاف نیفتد حکومت پیوسته در دست آنان خواهد بود. (۲)

«اَلْإمامُ عَلیٌّ علیه السلام : إنَّ لِبَنی اُمَیَّهَ مِرْوَدا یَجْرونَ فیهِ، و لَوْ قَدِ اخْتَلَفوا بَیَنَهُم ثُمَّ کادَتْهُمُ الضَّباعُ لَغَلَبَتْهُم»

پیامدهای اختلاف (۱۳۹)

بنی امیه را میدان مهلتی است که در آن می تازند و آن گاه که در

۱- نهج البلاغه: الخطبه ۲۵.

۲- کنزالعمّال: ۸۹۴، ۸۹۵، ۹۲۰، ۳۱۷۵۴.

میانشان اختلاف افتد کفتارها بر آنان چیره گردند.(۱)

«اَلْإمامُ عَلیٌّ علیه السلام : مَا اخْتَلفَتْ دَعْوَتان إلاّ کانتْ إحْداهُما ضَلالهً»

هیچ گاه دو دعوت برخلاف یکدیگر نشد مگر این که یکی از آن دو (دعوت به) گمراهی بود.(۲)

اختلاف کیفری الهی است

(۱۴۰) وحدت از دیدگاه قرآن و سنّت

«اَلْإمـامُ عَلیٌّ علیه السـلام : لَمّـا قـالَ لَه بَعْضُ الْیَهودِ: مـا دَفَنْتُم نَبیَّکُم حَتّی اِخْتَلَفْتُم فیهِ! : إنَّما اِخْتَلَفْنا عَنهُ لا فیهِ، وَ لکنَّکُم ما جَفّتْ أرْجُلُکُم مِن الْبَحرِ حَتّی قُلْتُم لنَبیِّکُم: (اِجْعَلْ لَنا إلها کَما لَهُمْ آلِهَهٌ فَقالَ إنَّکُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ»

یک نفر یهودی به علی علیه السلام گفت: هنوز پیامبر خود را دفن نکرده درباره

۱- نهج البلاغه: الحکمه ۴۶۴ و ۱۸۳.

۲- نهج البلاغه: الحکمه ۴۶۴ و ۱۸۳.

او دچار اختلاف شدید! حضرت فرمود: ما در جانشینی او اختلاف کردیم نه درباره خود او. اما شما هنوز پاهایتان از آب دریا نخشکیده بود که به پیامبرتان گفتید: «همچنان که آنان را خدایان است برای ما نیز خدایی در نظر گیر، پس او گفت: شما مردمی نادانید» .(۱)

۱ نهج البلاغه: الحکمه ۳۱۷.

پیامدهای اختلاف (۱۴۱)

معنای «پراکندگی امت من رحمت است»

«رسولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : اِخْتِلافُ اُمّتی رَحْمَةٌ»

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پراکندگی امت من رحمت است .(۲)

«اَلْإمامُ الصّادقُ علیه السلام : لَمّاسَأَلَهُ عَبْدُالْمؤمنِ الأَنصاریُّ: إنّ قَومارَوَوْا أنَّ رَسولَ اللّه ِ صلی الله علیه و آله

۱- نهج البلاغه: الحکمه ۳۱۷.

۲- کنزالعمّال: ۲۸۶۸۶، قال المناویّ فی الفیض (۱/۲۰۹).

قـالَ: إنّ اخْتِلافَ اُمَّتی رَحْمَهٌ : صَدَقوا. قُلْتُ: إنْ کـانَ اِخْتِلافُهُم رَحمَهً فاجْتِماعُهُم عَذابٌ؟ قالَ: لَیس حَیْثُ ذَهَبْتَ و ذَهَبوا، إنَّما أرادَ قَوْلَ اللّه ِ عَزَّ وَ جَلَّ: (فلَولا نَفَرَ مِن کُلِّ فِرْقَهٍ مِنْهُمْ طائِفَهٌ...)، فَأمَرَهُم أنْ یَنْفِروا إلی رَسولِ اللّه ِ صـلی الله علیه و آله وَیَخْتَلِفوا إلَیهِ فَیَتَعلّموا ثُمَّ یَرْجِعوا إلی قَومِهِم فیُعَلِّموهُم، إنّما أرادَ اخْتِلافَهُم مِنَ الْبُلْدانِ، لاَ اخْتِلافا فی دِینِ اللّه ِ

(۱۴۲) وحدت از دیدگاه قرآن و سنّت

إنّما الدِّینُ واحِدٌ»

عبـدالمؤمن انصاری به امام صادق علیه السـلام عرض کرد: عـده ای روایت می کنند که پیامبر خدا صـلی الله علیه و آله فرمود: پراکنـدگی امت من رحمت است. امام فرمود: راست می گوینـد. (عبـدالمؤمن می گویـد:) عرض کردم: اگر پراکنـدگی آنان رحمت است پس یکپارچگی ایشان عذاب است؟ حضـرت فرمود: معنای این حدیث آن گونه که تو و آنان فهمیده اید نیسـت بلکه منظور پیـامبر این سـخن خـدای عز و جـل است که: «چرا از هر گروهی از ایشان جماعتی کوچ نمی کننـد...». خداونـد به آنان

ص:۱۲۴

فرمان داد که از هر سو نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بروند و آموزش ببینند و سپس نزد مردم خود برگردند و تعلیمات را به آنها نیز بیاموزند. منظور پیامبر پراکنده و جدا شدن آنها از شهرهایشان است نه پراکندگی در دین خدا

معنای «پراکندگی امت من رحمت است» (۱۴۳)

زیرا دین یکی بیش نیست. (۱)

علت تفرقه و جدایی

«اَلْإمامُ عَلیٌّ علیه السلام : لَوْ سَکَتَ الْجاهِلُ مَا اخْتَلَفَ النّاسُ»

اگر نادان خاموشی می گزید مردم دچار اختلاف نمی شدند. (۲)

«اَلْإمامُ عَلیٌّ علیه السلام : إنَّما أنتُم إخْوانٌ عَلی دِینِ اللّه ِ، ما فَرّقَ بَیْنَکُم إلاّ خُبْثُ السَّرائِرِ، وَ سُوءُ الضَّمائِرِ، فَلا تَوَازَرونَ (تَأزِرون) وَ لا تَنَاصَحونَ،

۱- معانی الاخبار: ۱۵۷/۱.

۲- البحار: ۷۸/۸۱/۷۵.

وَ لا تَباذَلونَ و لا تَوادّونَ»

(۱۴۴) وحدت از دیدگاه قرآن و سنّت

شما برادر دینی یکدیگرند و آنچه میان شما جدایی انداخته درون پلید و نهاد بد است، به این سبب بار یکدیگر را برنمی دارید و برای هم خیرخواهی نمی کنید و به هم بذل و بخشش نمی کنید و با هم دوستی نمی ورزید. (۱)

علت تفرقه و جدایی (۱۴۵)

ص:۱۲۶

۱- نهج البلاغه: الخطبه ۱۱۳.

(۱۵۳)

فهرست مطالب

(۱۴۶)

ص:۱۲۷

فهرست مطالب

فهرست مطالب

فهرست مطالب

ص:۱۳۰

فهرست مطالب

(۱۵۰)

ص:۱۳۱

هفت ویژگی منحصر بفرد در آثار مکتوب مؤسسه قرآنی تفسیر جوان

۱ اعراب گذاری کامل

۲ طرح جلد ابداعی گرافیکی

۳ صفحه آرایی شعرگونه و چشم نواز

۴ آزاد بودن هرگونه نسخه برداری و چاپ با هماهنگی مؤسسه

۵ همه محصولات مؤسسه پس از فروش و استفاده، در صورت سالم بودن پس گرفته می شود

(۱۵۲)

۶ فروش اقساطی به قیمت نقد و با تعیین اقساط توسط خریدار

۷ امضای حداقل یک مجتهد جامع الشرایط به نشانه تأیید محتوا

در صورتی که هر کس از صدر اسلام (۱۴۳۰ سال پیش) تاکنون یک نمونه کتاب قرآنی را با جمع ویژگی های هفت گانه مذکور، به این مؤسسه ارائه دهد هزینه سفر عمره را جایزه می گیرد .

(قیمت گذاری کل محصولات مؤسسه برمبنای هفت ویژگی اشاره شده،انجام می شود)

ص:۱۳۲

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹